

خشوع در نماز

تألیف :

محمد صالح المنجد

مترجم : عبدالله دارابی

(غفر الله له) خدا ایشان را بیامرزد

ویراستار : ناصر پیری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

نماز رابطه خداوند با بندگان، نردبان ترقی و پیشرفت و رابطه آسمان با زمین است و در هیچ حالتی نباید ترک شود. نماز، برخلاف روزه و عبادات دیگر، هیچ‌گاه از انسان ساقط نمی‌شود.

قرآن کریم به سه چیز بسیار مهم و قابل تأمل در نماز، یعنی خشوع، محافظت و دوام اشاره فرموده است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾. (مؤمنون: ۱-۲)

«مؤمنان رستگار شدند * آنها که در نمازشان خشوع دارند.»

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾. (مؤمنون / ۹)

«و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند.»

﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ (معارج / ۲۳)

«آنان که همواره بر نمازشان مداوم و پایدارند.»

نماز هر نمازگزاری باید این سه ویژگی را داشته باشد.

اما چگونه نماز بخوانیم؟ رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» «نماز

بخوانید آن چنان که می‌بینید من نماز می‌خوانم». اولین چیزی که پیامبر ﷺ بعد از توحید بیان فرمودند اقامه نماز بود چون نماز رأس عبادت بدنی و زکات رأس عبادات مالی است. پیامبر ﷺ از اصحاب بر اقامه نماز بیعت می‌گرفت چنان که در صحیح بخاری، جریر بن عبدالله گفته است: «بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ».

«با پیامبر ﷺ بیعت کردم که نماز را برپا داشته زکات را بدهم و برای هر مسلمان

نصیحت کنم و خیر اندیشی نمایم.»

این حدیث بر فضیلت نماز و توجه به آن دلالت می‌کند. درست آن است که نماز در افضل اوقاتش خوانده شود و وقت آن ضایع نشود. در صحیح بخاری روایت شده است که عبدالله بن مسعود گفت: (سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ؟ قَالَ: «الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَفَتْهَا».) از پیامبر ﷺ پرسیدم: کدام کار را خداوند دوستتر می‌دارد؟ فرمود: «نماز را در وقتش». و یا در روایت دیگر از ابوداود و حاکم و دارقطنی و بیهقی آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا». یعنی: «نماز را در اول وقتش».

مسئله دیگری که لازم است در نماز مورد توجه قرار گیرد، هدف از اقامه نماز است؛ یعنی چرا باید نماز خواند، آیا اهدافی در این عمل است یا نه؟

اگر مروری گذرا بر قرآن، کتاب هدایت و نور، داشته باشیم این آیات را می‌بینیم:

﴿وَإِنهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾

(البقرة: ۴۵)

«و بدرستی که آن نماز دشوار است مگر بر صاحبان خشوع».

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾

(طه: ۱۴)

«و بر پا کن نماز را برای یاد کردن من»

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾

(العنكبوت: ۴۵)

«یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می‌دارد».

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾

(هود: ۱۱۴)

«و بر پا کن نماز را دو طرف روز و ساعتی چند از شب هر آئینه طاعات دور میکنند گناهان را».

نمازگزار باید خاشعانه و فروتنانه نماز را به جای آورد تا به یاد پروردگارش باشد و نماز او، وی را از فحشاء و منکر بازدارد و در بامدادان و شبانگاهان و لحظاتی از شب

مانند کوهی استوار بایستد و با خدایش به راز و نیاز بپردازد و درگه او پوید و رضای او جوید و زندگی و مرگ او برای خدا باشد.

نماز، وقتی عبادت به حساب می‌آید که با خشوع، حضور قلب و برای خدا ادا شود و نمازگزار را از زشتیها، منکرات و ردائل دور کند و به او احساس گرمی و رسیدن به کمال را ببخشد و اگر چنین نباشد عادت است و نه عبادت.

راه دین با عبادت طی می‌شود و هر عبادتی هم دارای رموز و حکمت‌هایی است. و از اسرار آن، که توشه راه، مدد روح و حیات، و جلاء قلب و نور چشمان است، این است که می‌آموزد چگونه زندگی کند و کجا خاشع و فروتن باشد. در چنین حالاتی است که خداوند به بنده اش رفعت درجات می‌دهد؛ پیامبر ﷺ فرمودند: «وَمَا تَوَاضَعُ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى». یعنی: «و هیچکسی برای خدا فروتنی نکرده، مگر اینکه خداوند او را برتری داده است».

در پایان از خداوند ﷻ خواهانم که ما را توفیق دهد تا بتوانیم خادمی از خادمان راه اسلام باشیم و خالصانه خواهانیم که این تلاش ناچیز و اندک را از ما بپذیرد و ما را با نور قرآن زنده کند و حیات و ممات ما برای خدا باشد.

نمیرد هر که را جانش تو باشی خوشا جانی که جانانش تو باشی

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

و در پایان از برادر بزرگوار، حافظ احمد نورشمسائی نهایت تشکر و قدردانی دارم که این کتاب را در اختیار حقیر گذاشتند خداوند به ایشان جزای خیر دهد.

مترجم

رمز نماز

چون که با تکبیرها مقرون شدند
معنی تکبیر این است ای امیم
وقت ذبح **الله اکبر** می‌کنی
تن چو اسماعیل و جان همچون خلیل
گشت کشته تن ز شهوتها و آز
چون قیامت پیش حق صفها زده
ایستاده پیش یزدان اشکریز
حق همی گوید چه آوردی مرا
عمر خود را در چه پایان برده‌ای؟
گوهر دیده کجا فرسوده‌ای؟
چشم و گوش و هوش و گوهرهای عرش
دست و پا دادمت چون بیل و کلند
همچنین پیغامهای دردگین
در قیام این گفتهها دارد رجوع
قوت استادن از خجالت نماند
باز فرمان می‌رسد بردار ستر
سر برآرد از رکوع آن شرمسار
باز فرمان آیدش بردار سر
سر برآرد او دگر ره شرمسار

همچو قربان از جهان بیرون شدند
کای خدا پیش تو ما قربان شدیم
همچنین در ذبح نفس کشتنی
کرد جان تکبیر بر جسم نبیل
شد به **بسم الله** بسمل در نماز
در حساب و در مناجات آمده
بر مثال راست خیز رستخیز
اندرین مهلت که دادم من تو را
قوت و قوت در چه فانی کرده‌ای؟
پنج حس را در کجا پالوده‌ای؟
خرج کردی چه خریدی تو ز فرش
من ببخشیدم ز خود آن کی شدند؟
صدهزاران آید از حضرت چنین
وز خجالت شد دوتا او در رکوع
در رکوع از شرم تسبیحی بخواند
از رکوع و پاسخ حق برشمر
باز اندر رو فتد آن خام کار
از سجود واده از کرده خبر
اندر افتد باز در رو همچو مار

باز گوید سر برآر و باز گو
 قوت پا ایستادن نبودش
 پس نشیند قعه زان بارِ گران
 نعمت دادم بگو شُکرت چه بود؟
 رو به دست راست آرد در سلام
 یعنی ای شاهان شفاعت کاین لئیم
 انبیا گویند روز چاره رفت
 رو بگرداند به سوی دستِ چپ
 هین جواب خویش گو با کردگار
 نی از این سو نی از آن سو چاره شد
 از همه نومید شد مسکین کیا
 کز همه نومید گشتم ای خدا
 در نماز این خوش اشارتها بین
 بچه بیرون آر از بیضه نماز
 که بخوادم جُست از تو مو به مو
 که خطاب هیبتی بر جان زدش
 حضرتش گوید سخن گو با بیان
 دامت سرمایه هین بنمای سود
 سوی جانِ انبیا و آن کرام
 سخت در گِل ماندش پای و گلیم
 چاره آنجا بود و دست افزارِ زفت ...
 در تبار و خویش گویندش که خَب
 ما که ایم ای خواجه دست از ما بدار
 جان آن بیچاره دل صد پاره شد
 پس برآرد هر دو دست اندر دعا
 اول و آخر تویی و منتها
 تا بدانی کاین بخواهد شد یقین
 سر مزن چون مرغ بی تعظیم و ساز

(مثنوی)

(معنوی*)

* - تمامی اشعاری که در پاورقی‌ها آمده از مثنوی معنوی مولانا و انتخاب ویراستار بوده است.

به ناله خداوند بخشنده و مهربان

حمد و ستایش سزاوار خداوند، پروردگار جهانیان باد که در کتاب پربرکت خود فرمود:

﴿وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ (البقرة: ۲۳۸).

«و برای خداوند فروتنانه [به عبادت] بایستید.»

و درباره نماز فرمود:

﴿وَأَنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (بقره / ۴۵)

«نماز سخت دشوار است مگر بر فروتنان»

و سلام و درود بر امام پرهیزگاران و سرور و سید فروتنان، محمد رسول خدا، و آل و اصحاب او باد.

نماز از بزرگترین ارکان عملی اسلام، و خشوع و فروتنی در نماز از ضروریات و واجبات است، زیرا که دشمن خدا، ابلیس، قسم خورده و عهد بسته که بنی آدم را گمراه کند و آنها را دچار فتنه و آشوب کند.

﴿ثُمَّ لَأَتَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ

شَمَائِلِهِمْ﴾ (اعراف / ۱۷)

«سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و چپ و از هر جهت به سراغ ایشان می روم و گمراهشان می سازم.»

از بزرگترین فریب‌های ابلیس دور کردن مسلمین از نماز است. شیطان از انواع وسائل و وسوسه‌ها استفاده می کند تا انسان را از نماز بازدارد و او را از لذت عبادت و اجر و ثواب محروم کند و بسیاری از مردم در این کار تسلیم وی شده‌اند، زیرا اولین چیزی که در عبادت از بین می رود خشوع است. در این عصر، که عصر آشوب و فتنه است، گفتار حدیقه علیه السلام در این مورد صدق می کند که فرمودند: اولین چیزی که از دین شما از بین می رود خشوع، و آخرین چیزی که از بین می رود

نماز است، و بسیاری از نمازگزاران هستند که خیری در آنها نیست و از نمازشان بهره‌ای نمی‌برند و ای بسا که داخل مسجد شوی و شخص فروتن و خاشعی را در آن نبینی^۱. چیزی که انسان در خود احساس می‌کند و از اطرافیان خود می‌شنود قضیه وسوسه در نماز و عدم خشوع است، پس نیاز است که به این موضوع اشاره کنیم. این رساله یادآوری و تذکری برای خود و برادران مؤمن است. از خداوند منان خواهانم که مفید واقع شود. خداوند فرموده‌اند:

﴿ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴾

(مؤمنون / ۱ و ۲)

«به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتن هستند». «خشوع عبارت است از آرامش، طمأنینه و وقار و تواضع، و ترس از خدا و توجه به وی»^۲. خشوع، یعنی در کمال ذلت و با فروتنی تمام در مقابل خداوند ایستادن^۳. و از مجاهد روایت شده است که گفت: ﴿وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾: قنوت عبارت است از ایستادن، فروتنی، چشم‌پوشی و تواضع از ترس خداوند»^۴. محل خشوع، قلب است، و ثمرات آن در اعضای بدن، و اعضای بدن تابع قلب هستند، وقتی که فروتنی قلب - به سبب غفلت و وسوسه - از بین رفت، فروتنی دیگر اعضای بدن هم از بین می‌رود، زیرا قلب مانند فرمانده، و اعضای بدن لشکر اوست و از وی پیروی می‌کنند. وقتی که فرمانده عزل یا نابود شود سربازانش هم از بین می‌روند، پس خشوع اعضای بدن متعلق به خشوع قلب است.

۱- مدارج السالکین لابن القيم (۵۲۱/۱).

۲- تفسیر ابن کثیر ط. دارالشعب (۴۱۴/۶).

۳- المدارج (۵۰۲/۱).

۴- تعظیم قدر الصلاة (۱۸۸/۱).

اما تظاهر به فروتنی و خشوع مذموم است زیرا از نشانیهای اخلاص^۱ پنهان کردن خشوع و فروتنی است.

حذیفه^۲ ما را از این برحذر می‌دارد و می‌فرماید: از فروتنی منافقانه برحذر باشید؛ گفته شد: فروتنی منافقانه چیست؟ گفت: آن که جسم فروتن و خاشع اما قلب غافل باشد^۱. و فضیل بن عیاض فرمودند: مکروه است که اعضای بدن بیش از قلب خاشع باشند. یعنی لازم است [این دو] مساوی و همسنگ باشند. یکی از صالحین مردی را دید که خود را خم کرده بود و ظاهراً در نمازش فروتن بود، به او گفت: خشوع و فروتنی اینجاست - به سینه‌اش اشاره کرد - نه در خود خم کردن^۲.

ابن قیم الجوزی - رحمه الله تعالی - فرق میان خشوع ایمانی و تظاهر به خشوع را بیان می‌کند: «خشوع الإیمان هو خشوع القلب لله بالتعظیم والإجلال والوقار والمهابة والحیاء، فینکسر القلب لله کسرة ملتئمة من الوجل والخجل والحب والحياء وشهود نعم الله وجنایاته هو، فیخشع القلب لا محالة فیتبعه خشوع الجوارح».

خشوع ایمان همان خشوع و تواضع قلب همراه با تعظیم و اجلال و وقار و مهابت و حیاء، پس قلبها فروتن میشوند همراه با ترس و حب و حیاء و حضور ذهن نعمتهای بی‌متنهای خداوندی بر او و کوتاهی او در برآورده کردن شکر این نعمتها، پس در این هنگام است که قلب بدون اختیار خاشع و فروتن می‌شود.

-۱-

علت ابلیس انا خیری بُدست	وین مرض در نفس هر مخلوق هست
گرچه خود را «بس شکسته» بیند او	آب صافی دان و سرگین زیر جو
چون بشوراند ترا در امتحان	آب سرگین زنگ گردد در زمان
در تک جو هست سرگین ای فتی	گرچه جو صافی نماید مر ترا

۲- المدارج (۵۲۱/۱).

اما تظاهر به خشوع عبارت است از این که انسان جوارج خود را به حالت تصنعی و ظاهری فروتن کند اما قلبش غافل باشد، و بعضی از اصحاب رسول الله ﷺ می گفتند: «أعوذ بالله من خشوع النفاق» گفته شد: خشوع نفاق چیست؟ گفتند: آن است که جسم فروتن و دل غافل باشد. بنده فروتن خدا کسی است که آتش شهوات خود را خاموش کرده و دود آن شهوات از دلش خارج شده است، پس دلش می تابد و صاف می شود و نور عظمت و بزرگی خداوند در آن می درخشد و به سبب ترس از خدا و خشوع در مقابل وی شهوات می میرند، اعضای بدن احساس آرامش می کنند، دل مملو از آرامش و طمأنینه می شود و فرمانبردار و مطیع خواهد شد و همانند زمینی که آب در آن نفوذ کند کاملاً تسلیم می شود. و نشانه آرامش این است که به خاطر عظمت خدا، در کمال ذلت و خواری چنان سجده ای می کند که سرش را بلند نمی کند^۱: تا به ملاقات خداوند نرود سر را بلند نمی کند این است معنای خشوع و فروتنی.

اما تظاهر به خشوع و خود را به مردن زدن حالتی است که شخص، اندام بدن خود را به ظاهر فروتن نشان می دهد و ریاکاری پیشه می کند. این گونه افراد ظاهری زیبا و آراسته و فروتن، اما باطن آنها ویران و زنده به شهوات است. چنین انسانی به ظاهر فروتن است اما در درون وی عقربها و مارهای سمی زندگی می کنند و در پی فرصت مناسب هستند^۲. فروتنی در نماز وقتی حاصل می شود که انسان دل خود را بدان مشغول کند و آن را بر چیزهای دیگر ترجیح دهد، در چنین حالتی است که احساس راحتی و آرامش می کند و

۱- مولوی می فرماید :

گفت پیغمبر رکوع است و سجود	بر در حق کوفتن حلقه وجود
حلقه آن در هر کو می زند	بهر او دولت سری بیرون کند

(مثنوی)

۲- کتاب الروح ص ۳۱۴.

چشمانش روشن می‌شوند. همانطور که پیامبر بزرگوار ﷺ فرمودند: «وجلعت قره عینی فی الصلاة»^۱ «نور چشمان من در نماز است».

خداوند در قرآن کریم مردان و زنان فروتن و خاشع را ستوده و فروتنی را از صفات نیکوکاران شمرده و برای آنها آمرزش و اجر بس بزرگی را مهیا دیده است.^۲

فواید خشوع و فروتنی

فروتنی در نماز، نماز را بر انسان آسان می‌کند، خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾
(البقرة: ۴۵).

یعنی: «نماز بسیار سنگین و مشقت‌بار است مگر برای فروتنان»^۳.

خشوع امری عظیم است، و سریع از بین می‌رود، و در زمان ما بسیار نادر و کمیاب است. پیامبر ﷺ فرمودند: «أول شيء يرفع من هذه الأمة الخشوع، حتى لا تری فیها خاشعاً»^۴. «اولین چیزی که از این امت برداشته می‌شود خشوع و فروتنی است تا جایی که هیچ خاشع و فروتنی را نمی‌یابی»

بعضی از سلف صالح گفته‌اند: نماز همانند کنیزکی است که به یکی از پادشاهان هدیه شود. آیا فرق نمی‌کند که کنیزک لنگ، کور، بی‌دست و پا، مریض، زشت، و یا مرده و بی‌روح باشد؟ پس انسان چه‌طور می‌تواند نمازی بی‌روح به خدا تقدیم کند و [چه‌طور] می‌خواهد خود را به خدا نزدیک کند، آیا چنین نمازی پذیرفته می‌شود؟

۱- تفسیر ابن کثیر (۴۵۶/۶) والحديث فی مسند احمد (۱۲۸/۳).

۲- سوره احزاب آیه ۳۵.

۳- تفسیر ابن کثیر، (۱۲۵/۲).

۴- هیثمی در المجمع روایت کرده (۱۳۶/۲) از طبرانی.

خداوند پاک است و پاک را می‌پذیرد و نماز بی‌روح و بی‌خشوع، پاک نیست و خداوند هم آن را نمی‌پذیرد. [چنین نمازی] شبیه آزاد کردن بردهٔ مرده است!

حکم خشوع

قول راجح این است که خشوع در نماز واجب است. شیخ الاسلام فرموده‌اند، خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (البقرة: ۴۵)

«از نماز و صبر کمک بگیرید زیرا نماز سنگین است مگر بر فروتنان.»

و این فرموده خداوند، غیرخشوع‌کنندگان را سرزنش می‌کند و این سرزنش هم به خاطر این است که انسان یا واجبی را ترک کرده و یا کار حرامی را انجام داده است. پس وقتی که خداوند غافلان و غیرخاشعین را سرزنش کرده است دلیل بر این است که خشوع و خضوع در عبادت واجب است و این آیه سوره مؤمنون دلیل بر وجوب خشوع است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ (مؤمنون: ۱-۲)

«مؤمنان رستگار شدند * آنها که در نمازشان خشوع دارند.»

و در ادامه می‌فرماید:

﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ * الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾

(المؤمنون: ۱۰-۱۱)

«آنان وارثان هستند، همان کسانی که بهشت را به ارث می‌برند و جاودانه در آن ماندگارند.»

خداوند خبر داده است که آنها بهشت را به ارث می‌برند و غیر از آنها کسی وارث بهشت نیست. وقتی که خشوع در نماز واجب است و متضمن سکون، آرامش و فروتنی است، پس کسی که در نماز مثل کلاغ منقار می‌زند خشوع ندارد و کسی هم که هنوز از رکوع بلند نشده به سجود می‌رود خاشع نیست زیرا در نمازش آرام نگرفته، و از شروط

درست بودن نماز، طمأنینه و آرام گرفتن است، و تا در نماز سکون و آرامش وجود نداشته باشد خشوع هم به دست نمی‌آید، و کسی که خشوع نداشته باشد گناهکار و عاصی است. دلیل بر واجب بودن خشوع حدیث پیامبر ﷺ است که سرزنش می‌کند کسی را که در نماز به آسمان می‌نگرد و از خود حرکات اضافی انجام می‌دهد زیرا [این اعمال] با خشوع در نماز مناسب نیست و چنین حرکاتی سبب از بین رفتن خشوع می‌شوند.^۱

پیامبر ﷺ درباره خشوع در نماز و فضیلت آن فرموده‌اند: «خداوند پنج فرض نماز بر انسان واجب کرده است^۲، کسی که درست وضو بگیرد و نمازهایش را در وقت خود ادا کند و رکوع، سجود و خشوع آنها را به کمال انجام دهد خداوند متعهد می‌شود او را مورد آمرزش قرار دهد و کسی که چنان نکند خداوند با او تعهدی ندارد، اگر بخواهد او را می‌بخشد و اگر بخواهد او را عذاب می‌دهد»^۳.

و باز هم رسول‌گرامی فرمودند: «من تَوْضَأُ فَأَحْسَنَ الْوَضُوءِ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ يَقْبَلُ عَلَيْهَا بَقَلْبِهِ وَوَجْهَهُ [وفي رواية: لا يحدث فيهما نفسه] غفر له ما تقدم من ذنبه [وفي

۱- مجموع الفتاوى (۲۲/۵۵۳-۵۵۸).

۲-

دعوت زاری است روزی پنج بار	بنده را که در نماز او بزار
نعره مؤذن که حیاً عل فلاح	و آن فلاح این زاری است و اقتراح
آن که خواهی کز غمش خسته کنی	راه زاری بر دلش بسته کنی
تا فرو آید بلا بی دافعی	چون نباشد از تضرع شافعی
گفته اندر نبی کآن اُمتان	که برایشان آمد آن قهرِ گران

۳- رواه ابوداود در جامع صحیح.

روایه: «إلا وجبت له الجنة»^۱ «کسی که درست وضو بگیرد، سپس با تمام وجود به خداوند روی آورد و دو رکعت نماز بخواند گذشته‌اش بخشیده می‌شود و در روایت دیگری وارد است که: بهشت بر وی واجب می‌شود.»

اسباب خشوع و فروتنی در نماز بر دو قسم است:

۱- آنچه که خشوع را ایجاد و تقویت می‌کند. ۲- از بین بردن آنچه که مانع خشوع می‌شود و آن را تضعیف می‌کند. شیخ الاسلام، ابن تیمیه - رحمه الله - آن را بر آنچه که سبب تقویت خشوع می‌شود تعبیر می‌کند و می‌فرماید: آنچه انسان را بر انجام خشوع یاری می‌رساند دو چیز است: (۱) قدرت متقاضی. (۲) از بین بردن مشغولیت‌ها. اما اولی یعنی تقویت نیروی متقاضی، این است که بنده‌ای کوشش کند هر آنچه را که می‌گوید و انجام می‌دهد بفهمد و در قرائت و ذکر و دعا تدبیر نماید و با تمام وجود - آن گونه که گویی او را می‌بیند - با خدایش مناجات کند، زیرا نمازگزار با خداوند مناجات می‌کند.

و احسان هم این است که رسول‌گرامی فرمودند: «أن تعبدالله كأنك تراه، فإن لم تكن تراه فإنه يراك» «آن چنان خداوند را پرستش کن گویا او را می‌بینی و اگر تو وی را نمی‌بینی خداوند تو را می‌بیند». هر اندازه که بنده‌ای حلاوت و شیرینی نماز را بچشد بیشتر به سوی آن کشیده می‌شود و این امر متناسب با قوت ایمان اوست. اسباب تقویت ایمان بسیار زیادند و به همین خاطر است که رسول‌گرامی ﷺ فرمودند: «سه چیز نزد من محبوب است؛ زن، عطر، و نور چشم من در نماز است». و در حدیث دیگر فرمودند: «أرحنا بالصلاة» «بلال ما را به نماز خوشحال کن». یعنی اذان بگو تا نماز بخوانیم و از شر دنیا راحت شویم.

۱- رواه ابوداود در جامع صحیح.

اما دومی: از بین بردن مشغولیت‌ها، بدین صورت است که انسان کوشش کند خود را از مشغولیت‌های قلبی که افکار و خیالات پوچ و بیهوده است رها سازد و از هر آن چه که سبب دور شدن از هدف اصلی نماز است بپندیشد و آنها را از خود براند.^۱ و این موانع به میزان مشغولیت هر انسانی وجود دارد، زیرا فراوانی وسوسه‌ها به فراوانی شبهه‌ها و شهوات بستگی دارد چون قلب در فکر از بین بردن موانع خواسته‌های خود است، پس بنابراین تقسیمات، مواردی از اسباب خشوع در نماز را بیان می‌کنیم.

الف - حریص بودن بر آن چه که خشوع را ایجاد و تقویت می‌کند.

۱- مهیا شدن برای ادامه نماز

لازم است جواب اذان را لبیك گوید و بعد از اذان این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَأَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، [إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ]»^۲.

(بار الها! ای پروردگار این ندای کامل و نماز بر پا شونده، به محمد -صلی الله علیه وسلم- وسیله «مقامی والا در بهشت» و فضیلت عنایت بفرما، و او را به «مقام شایسته‌ای» که وعده فرموده‌ای نایل بگردان، [همانا تو خلف وعده نمی‌کنی].

و در میان اذان و اقامه دعا کردن و درست وضو گرفتن و قبل از وضو بسم الله گفتن و بعد دعا خواندن و «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

-۱

جان همه روز از لگدکوب خیال

وز زیان و سود و از طرف زوال

نی صفی می‌ماندش نی لطف و فر

نی به سوی آسمان راه گذر

^۲ البخاری ۱۵۲/۱ و آنچه در بین گروه آمده از سنن بیهقی ۴۱۰/۱ روایت شده، و علامه

عبدالعزیز ابن باز در کتاب (تحفة الأخیار ص ۳۸) سندش را حسن دانسته است.

وَرَسُولُهُ»^(۱) و «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»^(۲) را گفتن؛ به مسواک توجه داشتن، و پاک کردن دهان که محل تلاوت قرآن است، زیرا پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

«طهروا أفواهكم للقرآن»^۳ «دهانتان را برای تلاوت قرآن پاک کنید» و لباس پاک و زیبا بپوشی، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾

(الأعراف: ۳۱)

«ای آدمزادگان، در هر عبادتگاهی خود را با لباس بپوشید».

خداوند ﷻ شایسته‌تر است که انسان خود را به خاطر وی بپوشد زیرا لباس نیکو و بوی خوش به انسان آرامش می‌بخشد. لازم است انسان با کمال ادب و زیبایی در مقابل پروردگارش بایستد. و پوشانیدن عورت، پاک‌سازی مکان نماز، وقار و سنگینی و اول وقت به سوی مساجد شتافتن را رعایت کند، با انگشتان بازی نکند و در انتظار نماز بنشیند و همچنین باید نظم صف را رعایت کند زیرا شیاطین می‌خواهند در میان صف نمازگزاران شکاف ایجاد کنند و صف‌های نماز را برهم بزنند.

۲- آرام‌گرفتن در نماز

پیامبر ﷺ در نماز چنان آرام می‌گرفت که با تمام اعضای بدنش راست می‌ایستاد و به کسی که بد نماز می‌خواند فرمودند: «لا تتم صلاة أحدكم حتى يفعل ذلك»^۴. «نماز هیچ یک از شما به اتمام نمی‌رسد تا این که این کار را انجام دهد» یعنی مثال من نماز بگذارد.

۱- (شهادت می‌دهم که بجز الله، معبودی «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکی برای او نیست، و شهادت می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده‌ی اوست).

۲- یعنی: (پروردگارا! مرا از توبه‌کنندگان بگردان و جزو کسانی قرار ده که کاملاً طهارت می‌کنند و پاکیزه‌اند).

۳- رواه البزار و قال الهیثمی : رجاله ثقات و قال الالبانی : إسناده جيد.

۴- رواه ابوداود.

ابوقتاده^۱ روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد، گفت: یا رسول‌الله، چگونه انسان از نمازش می‌دزدد؟ فرمودند: رکوع و سجودش را کامل به جا نمی‌آورد»^۱.

و ابو عبدالله اشعری روایت کرده است پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «کسی که رکوع و سجود را کامل به جا نمی‌آورد، مانند گرسنه‌ای است که یک یا دو خرما می‌خورد اما گرسنگی او برطرف نمی‌شود و سودی به او نمی‌بخشد»^۲. پس کسی که در نماز آرام نمی‌گیرد فروتنی و خشوع ندارد زیرا عجله در نماز خشوع را از بین می‌برد و مانند کلاغ منقار زدن، اجر و ثواب را تباہ می‌کند.

۳- ذکر مرگ در نماز

پیامبر ﷺ فرمودند: «در نماز مرگ را به یاد بیاورید، زیرا کسی که در نماز مرگ را به یاد می‌آورد نمازش را خوب ادا می‌کند؛ و نماز را چنان بخوان که گویی بعد از آن نمازی نمی‌خوانی و آخرین نماز توست»^۳.

و در این مورد پیامبر ﷺ به ابو ایوب انصاری^۴ سفارش می‌کند: «اگر نماز خواندی آن‌گونه بخوان که گویا آخرین نماز تو و نماز خداحافظی است»^۴. یعنی مانند کسی باشد که بعد از آن می‌میرد، و بعد از مرگ نماز ساقط می‌شود؛ در نتیجه آخرین نماز است و لازم است در آن خشوع و فروتنی را رعایت کند زیرا انسان غیب نمی‌داند شاید این آخرین نماز او باشد.

۴- در آیات و اذکار نماز تدبیر کردن

قرآن برای اندیشیدن و تدبیر نازل شده، خداوند می‌فرماید:

۱- رواه احمد و حاکم.

۲- رواه الطبرانی فی الکبیر (۱۱۵/۴) و قال فی الصحیح الجامع : حسن.

۳- سلسله احادیث صحیحہ البانی.

۴- رواه احمد.

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص: ۲۹)

«این کتاب پربرکت را بر تو نازل کردیم تا در آیات آن بیندیشند و خردمندان باید متذکر شوند».

و تدبر ایجاد نمی‌شود مگر آن که معنی آن فهمیده شود. پس در آن می‌اندیشد و متأثر می‌شود و خداوند می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾

(الفرقان: ۷۳)

«کسانی‌اند که چون آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی‌افتند (بلکه با گوش دل می‌شنوند)».

از اینجاست که اهمیت توجه به تفسیر آیات روشن می‌شود.

ابن جریر می‌گوید: از کسی که قرآن را می‌خواند و تفسیر آن را نمی‌داند متعجب و شگفت‌زده می‌شوم، چه‌گونه از قرائت آن لذت می‌برد. چیزی که به تدبر زیادتر کمک می‌کند تکرار آیات و تأمل در معنی آنهاست و پیامبر ﷺ این کار را می‌کرد. در روایتی آمده است که پیامبر ﷺ شبی نماز می‌خواند و تا صبح این آیه را تکرار می‌کرد:

﴿إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

(المائدة: ۱۱۸).

«اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تو‌اند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند) و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی‌حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف!)».

چیزی که به نمازگزار کمک می‌کند تا در نماز فروتن باشد هماهنگی با آیات قرآن است. حذیفه ؓ روایت می‌کند که شبی با پیامبر ﷺ نماز خواندم، وی بسیار روان و آرام قرآن تلاوت می‌کرد و وقتی که به آیه تسبیح می‌رسید «سبحان الله» می‌گفت، اگر به آیه

رحمت می‌رسید از خداوند طلب رحمت می‌کرد، و وقتی به آیه عذاب می‌رسید به خداوند پناه می‌برد!

شبی یکی از اصحاب پیامبر ﷺ به نام قتاده بن نعمان ؓ آیه «**قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**» را تلاوت و تکرار می‌کرد.^۱ سعید بن عبیدالطائی گفت: شنیدم که سعد بن جبیر در ماه رمضان امامت می‌کرد و این آیه را بسیار تکرار می‌کرد:

﴿**فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ * إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ * فِي**

﴿**الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ**﴾ (غافر: ۷۰-۷۲)

«به زودی خواهند دانست وقتی که زنجیرها در گردن آنهاست و آنها را به سوی آتش جهنم می‌کشانند، در میان جوشاب، آن‌گاه در آتش برافروخته می‌شوند».

و قاسم می‌گوید: سعید بن جبیر را دیدم که شبی این آیه را تلاوت می‌کرد:

﴿**وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ**﴾

(البقرة: ۲۸۱).

«و بترسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید، سپس هر کسی پاداش آنچه را به دست آورده، تمام داده شود».

و حدود بیست و چند بار آن را تکرار می‌کرد.

و مردی به کنیه ابو عبدالله از قبیله قیس گفت: شبی نزد حسن بودیم وی برای نماز

شب بیدار شد و در نماز مدام این آیه را تکرار می‌کرد:

﴿**وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا**﴾ (ابراهیم: ۳۴)

«اگر نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید آنها را شمارش کنید».

۱- رواه مسلم رقم.

۲- رواه البخاری.

صبح به او گفتیم: ابوسعید، چرا همین آیه را تکرار می‌کردی؟ گفت: می‌خواستم در آن تدبر کنم زیرا هر بار که آن را تکرار می‌کردم نعمت‌های خدا را که قابل شمارش نیستند به یاد می‌آوردم!

هارون بن رباب الأسیدی نماز تهجد می‌خواند و این آیه را تکرار می‌کرد و تا صبح می‌گریست.

﴿يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الأنعام: ۲۷)

«ای کاش، بار دیگر به دنیا برمی‌گشتیم و آیات خداوند را تکذیب نمی‌کردیم و جزو مؤمنان بودیم.»

و چیز دیگری که به تدبر کمک می‌کند حفظ قرآن و ادای اذکار متنوع در ارکان مختلف نماز است.

بدون شک چنین کاری، یعنی تدبر، تفکر و تکرار آیات، از بزرگترین چیزهایی است که بر خشوع می‌افزاید همان‌طور که خداوند می‌فرماید:

﴿وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ (الاسراء: ۱۰۹)

«بر زمین فرو می‌افتند و می‌گریند و بر تواضع آنان می‌افزاید.»

در این جا داستانی بسیار مؤثر دربارهٔ خشوع می‌آورم.

عطاء روایت می‌کند: من و عبید بن عمیر به خدمت حضرت عایشه رسیدیم، ابن عمیر گفت: عجیب‌ترین چیزی که از رسول‌الله دیده‌ای چیست؟ حضرت عایشه گریست و گفت: شبی از شبها بیدار شد و گفت: عایشه مرا رها کن تا عبادت کنم. عایشه گفت: قسم به خدا دوست دارم نزد تو و چیزی که تو را خوشحال می‌کند باشم. پیامبر ﷺ بلند شد، وضو گرفت، سپس شروع به نماز کرد و چنان گریست که لباسش خیس شد، و به

نماز و گریستن ادامه داد تا اشک سرازیر شد و زمین را خیس کرد^۱. بلال خواست اذان بگوید وقتی که پیامبر ﷺ را دید که گریه می‌کند گفت: یا رسول‌الله، گریه می‌کنی در حالی که خداوند گناهان اول و آخرت را بخشیده است؟ پیامبر فرمود: آیا بنده شکرگزاری نباشم، دیشب آیاتی بر من نازل شد، وای بر کسی که آنها را بخواند و در آنها تفکر و تدبر نکند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾
(آل عمران: ۱۹۰)

«مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است».

جواب دادن و هماهنگ شدن با آیات قرآن این است که بعد از قرائت سوره فاتحه آمین بگوید زیرا که اجر بسیار بزرگی دارد. پیامبر ﷺ فرمودند: «وقتی که امام آمین گفت شما هم آمین بگویید زیرا کسی که آمین وی با آمین ملائکه هماهنگ باشد گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند»^۲. و هماهنگ شدن با امام وقتی که می‌گوید: «سمع الله لمن حمده»، مأموم بگوید: «ربنا ولك الحمد»، که اجر بس بزرگی دارد، زیرا رفاعه بن رافع

-۱

عاشقان را فی صلاة دائمون	پنج وقت آمد نماز و رهنمون
که در آن سرهاست نی پانصد هزار	نه به پنج آرام گیرد آن خمار
سخت مستسقی است جان صادقان	نیست «زُرْغَباً» وظیفه عاشقان
زان که بی‌دریا ندارند انس جان	نیست زرغباً وظیفه ماهیان
با خُمار ماهیان خود جرعه‌ای است ...	آب این دریا که هایل بقعه‌ای است
اندرین حضرت ندارد اعتبار	جز خضوع و بندگان و اضطراب

۲- رواه البخاری رقم ۷۴۷.

الزرقی رضی اللہ عنہ گفت: روزی پشت سر پیامبر نماز خواندیم وقتی که از رکوع بلند شد و گفت: «سَمِعَ اللهُ مِنْ حَمْدِهِ» مردی پشت سر پیامبر گفت: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مَبْرُوكًا فِيهِ» وقتی پیامبر از نماز فارغ شد گفت: چه کسی بود؟ آن مرد گفت: من بودم یا رسول الله، پیامبر فرمود: سی و اندی ملائکه را دیدم که از یکدیگر پیشی می گرفتند تا اجر و ثوابش را زودتر بنویسند.

۵- قرآن را آیه به آیه و به تائی بخواند

چنین روشی برای فهمیدن و اندیشیدن در آیات بهتر است، زیرا مطابق سنت پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم است، همچنان که ام سلمه روایت می کند که قرائت پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم بدین صورت بود: ابتدا ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ می گفت، سپس توقف می کرد بعد ادامه می داد: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾، توقف می کرد، ادامه می داد: ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، باز توقف می کرد و بعد ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾؛ قرائت پیامبر آیه به آیه بود^۱.

اگر ابتدای آیه یا آخر آیه توقف کند بهتر است هر چند که معنی آن آیه با آیه بعدی مرتبط باشد.

۶- قرآن را با ترتیل و صوت خوب تلاوت کند

خداوند می فرماید:

﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾

(المزمل: ۴)

«و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان.»

قرائت پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم بسیار واضح و با ترتیل بود و هنگامی که سوره ای را با ترتیل می خواند طولانی تر می شد، تلاوت قرآن بدین روش به خشوع و تدبیر نزدیکتر است تا این که با عجله و شتاب خوانده شود.

۱- رواه ابوداود.

و چیز دیگری که به خشوع می‌افزاید صوت زیباست. رسول‌خدا ﷺ در این مورد فرموده‌اند: «زینوا القرآن بأصواتکم، فإن الصوت الحسن یزید القرآن حسناً» «قرآن را با صوت زیبای خود زینت دهید زیرا صدای نیکو قرآن را زیباتر می‌کند»^۱. و منظور از صدای نیکو این نیست که مانند لحنِ اهلِ فسق بخواند، بلکه زیبایی صوت به همراه حزن باشد همچنان که رسول‌خدا ﷺ فرموده‌اند: «إن من أحسن الناس صوتاً بالقرآن الذی إذا سمعتموه یقرأ حسبتموه یخشی الله»^۲. «زیباترین صوت، صوت کسی است که وقتی قرآن می‌خواند گمان می‌برید که از خداوند می‌ترسد».

۷- بدانند که خداوند صدای او را می‌شنود

پیامبر ﷺ گفت: خداوند فرمودند: نماز را میان خود و بندهام تقسیم کرده‌ام و آن چه می‌خواهد به او عطا می‌کنم. وقتی که بنده می‌گوید: «الحمد لله رب العالمین» خداوند می‌گوید: بندهام مرا ستود، و وقتی که می‌گوید: «الرحمن الرحیم» خداوند می‌گوید: بندهام مرا ستایش کرد، و وقتی که می‌گوید: «مالک يوم الدين» می‌گوید: مرا تعظیم و تمجید کرد، و وقتی که می‌گوید: «إياک نعبد وإياک نستعین» می‌گوید: این میان من و بندهام است، و آن چه بخواهد به او می‌بخشم، و وقتی که بگوید: «اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین أنعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» می‌گوید: این از آن بندهام است، و آن چه خواست به او عطا می‌کنم^۳.

۱- أخرجه الحاكم.

۲- رواه ابن ماجه.

۳- رواه مسلم.

این حدیث پرمعنایی است که اگر هر نمازگزاری آن را مدنظر قرار دهد خاشع و فروتن می‌شود و می‌فهمد که سوره فاتحه اثر بسیار بزرگی می‌گذارد زیرا احساس می‌کند که با خداوند صحبت می‌کند و خداوند نیازهای او را برآورده می‌سازد؛ پس سزاوار است که نمازگزار این مناجات را بزرگ جلوه دهد و بسیار به آن توجه کند زیرا رسول‌خدا ﷺ فرموده‌اند: «**إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا قَامَ يَصِلِي فَإِنَّمَا يَنَاجِي رَبَّهُ، فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ يَنَاجِيهِ**»^۱. «قتی که یکی از شما برخاست نماز بخواند، با خداوند مناجات می‌کند پس باید بداند که چگونه مناجات می‌کند».

۸- روبروی ستره و نزدیک به آن نماز بخواند

از عوامل بسیار مفید که بر خشوع نماز می‌افزاید توجه به ستره و در نزدیک آن نماز خواندن است زیرا دیدن نمازگزار را کم می‌کنند و او را از شر شیطان و رفت‌وآمد مردم دور نگه می‌دارد و اینها ذهن نمازگزار را مشوش و اجر و ثوابش را کمتر می‌کند، پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «**إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَصِلْ إِلَى سِتْرَةٍ وَ لِيَدُنْ مِنْهَا**»^۲. «هنگامی که یکی از شماها نماز بخواند روبروی ستره و نزدیک به آن نماز بخواند». نزدیکی به ستره فواید فراوانی دارد، پیامبر ﷺ، باز هم، در این مورد می‌فرماید: «**إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى سِتْرَةٍ فَلْيَدْنُ مِنْهَا لَا يَقْطَعُ الشَّيْطَانُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ**»^۳ «هنگامی که یکی از شماها روبروی ستره نماز خواند به آن نزدیک شود تا شیطان نمازش را قطع نکند». پس سنت است که نمازگزار تا حدی به ستره نزدیک شود که میان او و ستره سه ذراع فاصله باشد یعنی این فاصله به اندازه رد شدن یک گوسفند باشد. همان‌طور که در احادیث صحیح به آن اشاره شده و رسول‌الله ﷺ در این باره دستور داده است که: نمازگزار نباید اجازه دهد

۱- مستدرک حاکم.

۲- رواه ابوداود.

۳- رواه ابوداود.

کسی میان او و ستره‌اش رد شود. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «هنگامی که یکی از شما نماز می‌خواند اجازه ندهد کسی از مقابل او بگذرد و اگر کسی رد شد او را منع کند، اگر امتناع ورزید او را بزند زیرا شیطان همراه اوست»^۱. امام نووی در شرح این حدیث می‌فرماید: «حکمت ستر در این است که چشم نمازگزار را از نگاه کردن حفظ می‌کند و نمی‌گذارد کسی از جلوی او رد شود و شیطان را از تعرض به او برای ابطال نماز باز می‌دارد»^۲.

۹- دست راست بر دست چپ بنهد و روی سینه نگاه دارد

هرگاه پیامبر ﷺ نماز می‌خواند دست راست را بر چپ می‌نهاد و روی سینه قرار می‌داد، و فرموده‌اند: «ما پیامبران، مأموریم در نماز، دست راست را بر چپ بگذاریم»^۳. از امام احمد سؤال شد: چرا در نماز باید دست راست را روی دست چپ گذاشت؟ فرمود: این نهایت ذلت در مقابل خداوند عزیز است. ابن جعفر گفت: علماء گفته‌اند: حکمت این حالت صفت سائل ذلیل در مقابل خداوند عزیز است و چنین حالتی نمازگزار را از کارهای بیهوده دور می‌کند و به خشوع نزدیکتر است^۴.

۱۰- در نماز فقط به سجده گاهش بنگرد

از عایشه - رضی الله عنها - روایت شده است: «کان رسول الله ﷺ إذا صلی طأطأ رأسه ورمی ببصره نحو الأرض»^۵. «پیامبر خدا ﷺ در نماز سرش را پایین می‌آورد و به سجده گاهش می‌نگریست». و وقتی که داخل کعبه شد و دو رکعت نماز خواند به سجده گاهش نگاه می‌کرد، و تا در حال نماز بود به جای دیگری نگاه نمی‌کرد، و وقتی

۱- رواه مسلم.

۲- شرح مسلم جلد ۴ صفحه ۲۱۶.

۳- رواه الطبرانی.

۴- فتح الباری ابن حجر.

۵- رواه الحاكم و واقفه الالبانی، صفة الصلاة ص : ۸۹.

که برای تشهد می‌نشست انگشت مسبّحه را حرکت می‌داد و به آن می‌نگریست و در روایتی دیگر آمده است که به انگشت سبابه در وقت تشهد اشاره می‌کرد و دقیقاً به آن نگاه می‌کرد.^۱

سؤال: در این جا سؤالی مطرح است که از اذهان خیلی از نمازگزاران گذشته و آن این است: حکم «چشم بستن در نماز» خصوصاً وقتی که انسان احساس می‌کند این کار به خشوع در نماز می‌افزاید چیست؟

جواب: همچنان که قبلاً ذکر شد خلاف سنت رسول الله ﷺ است زیرا این کار سنت نگاه به سجده‌گاه و انگشت مسبّحه را از او می‌گیرد. در این جا علامه، ابی عبدالله ابن القیم، امر را روشن‌تر و واضح بیان می‌فرماید: چشم فرو بستن در نماز از سنت پیامبر ﷺ نیست زیرا قبلاً گفته شد که رسول الله ﷺ در تشهد به سجده‌گاه و انگشت سبابه اش نگاه می‌کرد و بسیاری از روایات و احادیث بر این سنت پیامبر دلالت می‌کنند از جمله در نماز کسوف پیامبر ﷺ دست‌های خود را چنان دراز می‌کرد گویا بهشت را به چشم خود می‌بیند و از میوه‌های آن می‌چیند و جهنم و صاحب گریه را در آن می‌بیند. و در حدیث است که حیوانی خواست از جلوی وی که در حال نماز بود رد شود، آن را دور کرد و پسر بچه و دخترکی که از جلوی نمازش رد می‌شدند منع کرد، و کسی که در حال نماز بر پیامبر ﷺ وارد شد و سلام کرد با دست مبارکش جواب سلام وی را می‌داد، پس [بر ما مشخص می‌شود] تا کسی را نمی‌دید نمی‌توانست که به وی اشاره کند و جواب دهد. این احادیث و امثال آن بر این امر دلالت می‌کنند که رسول الله ﷺ در نماز نه تنها چشمانش را نمی‌بست بلکه به سجده‌گاهش نیز نگاه می‌کرد. اما در این مورد در میان علماء و فقهاء اختلاف وجود دارد. امام احمد - رحمه الله علیه - چشم بستن را مکروه می‌داند و می‌گوید: این کار یهود است. اما جماعت دیگر آن را مکروه نمی‌دانند و معتقدند که مباح است. اما قول صواب و درست این است: اگر چشم باز به خشوع و

۱- رواه امام احمد و ابوداود.

خضوع نماز خللی وارد نمی‌آورد این بهتر است، اما اگر روبروی او تصاویر و یا چیزهای دیگر از زخارف وجود دارد که سبب از بین رفتن خشوع در نماز می‌شود نه تنها هیچ‌گونه کراهتی ندارد که چشم را ببندد، بلکه چشم بستن در چنین حالتی به مقاصد شرع نزدیکتر است^۱. پس روشن شد سنت این است که نمازگزار چشمانش را نبندد مگر این که چیزی وجود داشته باشد که بر خشوع در نماز آسیب برساند.

۱۱- اشاره با انگشت سبابه

بسیاری از نمازگزاران این امر مهم غافلند و فایده بزرگ آن را نمی‌دانند که این امر در خشوع نماز مؤثر است. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «لَهِ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْحَدِيدِ»^۲ «اشاره با انگشت سبابه در وقت تشهد از پتک آهن زدن بر شیطان سخت‌تر است». این کار شیطان را به خشم می‌آورد، زیرا بنده را به یاد وحدانیت خدا و اخلاص در عبادت می‌اندازد و انسان نمازگزار را متوجه یکتایی خداوند می‌کند و یاد خدا بزرگترین چیزی است که شیطان از آن متنفر است - نعوذ بالله من الشيطان الرجيم-.

و به خاطر این فایده عظیم، بسیاری از اصحاب در این مورد به یکدیگر وصیت می‌کردند و یکدیگر را تشویق و ترغیب و سفارش می‌کردند و بدان متعهد می‌شدند که حتماً در تشهد و دعا به انگشت سبابه اشاره کنند و آن را به حرکت درآورند^۳. و سنت بر این است که نمازگزار انگشت سبابه‌اش را در طول تشهد بالا بگیرد و به آن اشاره کند.

۱۲- تنوع سُور، آیات، اذکار و ادعیه در نماز

این تنوع ایجاد معانی و مقاصد سوره‌ها و اذکار را در ذهن نمازگزار تجدید می‌کند و معانی تازه و جدید به ذهنش متبادر می‌نماید و کسی که بسیاری از سُور و اذکار را

۱- زادالعمار ۲۹۳/۱.

۲- رواه احمد بسند حسن.

۳- رواه ابن ابی شیبیه بسند حسن كما في صفة الصلاة.

حفظ نداشته باشد از این نعمت محروم است، زیرا ایجاد تنوع از سنت است و به خشوع و خضوع نزدیکتر و نماز را کاملتر می‌کند و اگر در نمازهای رسول‌الله ﷺ تأمل کنیم این تنوع را به صورت واضح و آشکار می‌بینیم. در دعاهای استفتاح پیامبر ﷺ اذکار و اوراد مختلفی وارد شده که خواندن همه آنها صحیح است. مثلاً:

الف) «اللهم باعد بيني وبين خطاياي كما باعدت بين المشرق والمغرب، اللهم نقني من خطاياي كما ينقى الثوب الأبيض من الدنس، اللهم اغسلني من خطاياي بالماء والثلج والبرد».

ب) «وجهت وجهي للذي فطر السموات والأرض حنيفاً وما أنا من المشركين، إن صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين، لا شريك له وبذلك أمرت وأنا أول المسلمين».

ج) «سبحانك اللهم وبحمدك وتبارك اسمك وتعالى جدك ولا إله غيرك».

و امثال این ادعیه و اذکار وارد شده است و نمازگزار می‌تواند برای تنوع یکبار این را و یکبار آن را بخواند، پیامبر ﷺ در نماز صبح سوره‌هایی از جمله طوال مفصل، مثل واقع، طور، قاف و قصار مفصل، مثل إذا الشمس كورت، زلزله و معوذتین، و در روایت وارد شده است که بعضی اوقات سوره انسان را در نماز صبح تلاوت می‌کرد.

و وارد شده است که در نماز ظهر در هر رکعت به اندازه ۳۰ آیه تلاوت می‌کرد و سوره طارق، بروج، و الليل و إذا يغشى را می‌خواند.

و در نماز عصر در هر رکعت از دو رکعت اول به اندازه ۱۵ آیه و یا همانند سوره‌های قبل را می‌خواند.

در نماز مغرب قصار المفصل مانند سوره‌های تین، محمد، طور و مرسلات و امثال آنها را می‌خواند.

در نماز عشاء از اوساط مفصل مانند والشمس وضحتها، إذا السماء انشقت، را می‌خواند و به صحابی جلیل، معاذ رضی الله عنه دستور می‌داد که سورهٔ اعلیٰ، قلم، و واللیل إذا یغشی را بخواند.

در قیام اللیل سُوره های طولانی را تلاوت می‌کرد و در روایت وارد شده است که بعضی اوقات ۱۵۰ تا ۲۰۰ آیه، و بعضی اوقات سُوره های کوتاه می‌خواند. و اذکار و اوراد رکوعش متنوع بوده است، مثلاً «سبحان ربی العظیم»، «سبحان ربی العظیم وبحمده»، «سبوح قدوس رب الملائکه والروح»، «اللهم لک رکعت، وبک آمنت، ولک أسلمت، وعلیک توکلت، أنت ربی، خضع سمعی وبصری ودمی ولحمی وعظمی وعصبی لله رب العالمین».

و در وقت برخاستن از رکوع «سمع الله لمن حمده»، «ربنا ولک الحمد» و بعضی اوقات «ربنا لک الحمد»، «اللهم ربنا ولک الحمد» می‌گفتند و بعضی اوقات: «ملء السموات وملء الأرض وملء ما شئت من شیء بعد» می‌افزودند و اضافه می‌کردند: «أهل الثناء والمجد، اللهم لا مانع لما أعطیت ولا معطى لما منعت، ولا ینفع ذا الجدمنک الجدم».

و در سجده «سبحان ربی الأعلیٰ» و «سبحانی ربی الأعلیٰ وبحمده» می‌افزودند و می‌گفتند: «سبوح قدوس رب الملائکه والروح» و «سبحانک اللهم ربنا وبحمدک اللهم اغفر لی» و «اللهم لک سجدت وبک آمنت، ولک أسلمت، سجد وجهی للذی خلقه وصوره وشق سمعه وبصره، تبارک الله أحسن الخالقین» و امثال اینها و ...

در نشستن بین دو سجده اضافه می‌کرد: «رب اغفر لی، رب اغفر لی» و می‌گفتند:

«اللهم اغفر لی وارحمنی واجبرنی وارفعنی واهدنی وعافنی وارزقنی».

و در تشهد چند صیغه از اذکار و اوراد وارد شده مثلاً: «التحيات لله والصلوات والطيبات، السلام عليك أيها النبي...» و همان‌طور وارد شده است: «التحيات المباركات والصلوات الطيبات لله، السلام عليك أيها النبي...» و یا وارد شده است که: «التحيات الطيبات والصلوات لله، السلام عليكم أيها النبي...» می‌خواند.

بنابراین، نمازگزار می‌تواند از هر کدام از صیغه‌های متنوع که خواست بخواند. در سلام و درود بر پیامبر ﷺ صیغه‌های متنوعی وارد شده است: «اللهم صلّ على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد، اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد» و باز، وارد شده است که می‌گفتند: «اللهم صلّ على محمد و على آل بيته و على أزواجه و ذريته كما صليت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد، و بارك على محمد و على آله بيته و على أزواجه و ذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد».

و باز وارد شده است که: «الله صلّ على محمد النبي الأُمي و على آل محمد كما صليت على آل ابراهيم، وبارك على محمد النبي الأُمي و على آل محمد كما باركت على آل إبراهيم، في العالمين إنك حميد مجيد».

و همچنین صیغه‌های متنوع دیگری وارد شده است، و ایرادی نیست اگر نمازگزار بر بعضی از آنها بیشتر مواظبت کند زیرا بعضی از آنها از جهت ثبوت و شهرت در کتب «صحاح» وارد شده‌اند، یا اینکه وقتی اصحاب از کیفیت آن سؤال می‌کردند، این چنین آنها را تعلیم می‌داد و صیغه‌های معینی برای آنها می‌گفت و بیان می‌کرد^۱.

۱- تمامی احادیثی که آورده شد در کتاب صفة صلاة النبي ناصرالدین البانی وجود دارند.

۱۳- سجده تلاوت

از آداب تلاوت قرآن این است که اگر نمازگزار به آیه سجده رسید، سجده به جا آورد، زیرا خداوند، پیامبران و صالحین را به این وصف ستوده است ﴿إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ (مریم: 58) «هرگاه آیات خدای رحمان برای آنها خوانده شود سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتند». ابن کثیر در تفسیرش می‌گوید: علماء بر مشروع بودن سجده تلاوت متفق‌القولند. و سجده تلاوت در نماز بسیار عظیم و بر خشوع و فروتنی نماز می‌افزاید و خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ (الاسراء: 109). «بر چهره‌ها فرو می‌افتند و می‌گریند و بر تواضع آنان می‌افزاید». و در حدیث آمده است که رسول‌الله ﷺ سوره نجم را در نماز خواند و سجده تلاوت را به جا آورد. و امام بخاری - رحمه‌الله - در «صحیح» خود از ابورافع روایت می‌کند که گفت: با ابوهریره نماز عشاء خواندم و او سوره «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ» را تلاوت کرد، سپس سجده کرد، به او گفتم: چرا سجده کردی، گفت: پشت سر رسول‌خدا نماز می‌خواندم که سجده کرد پس من هم تا وقتی که با رسول‌الله ملاقات کنم سجده می‌کنم.^۱

لازم است نمازگزار بر این سنت مؤکد بسیار مواظبت کند چون سجده تلاوت شیطان را دور می‌کند و او را خوار و ذلیل می‌گرداند و کید او را برملا و ضعیف می‌کند. ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «إِذَا قَرَأَ ابْنُ آدَمَ السُّجْدَةَ فَسَجَدَ، اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ يَبْكِي، يَقُولُ: يَا وَيْلِي، أَمَرَ ابْنَ آدَمَ بِالسُّجُودِ فَسَجَدَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَأَمَرَ

۱- رواه البخاری.

بالسجود فأبیت فلی النار»^۱. «وقتی انسان به سجده تلاوت رسید و سجده کرد، شیطان دور می‌شود و می‌گرید و می‌گوید: وای بر من، انسان مأمور به سجده شد، سجده کرد پس بهشت از آن اوست و من مأمور به سجده شدم و سجده نکردم پس جای من جهنم است».

۱۴- پناه بردن به خدای عزوجل از شر شیطان

شیطان دشمن انسان و از جمله دشمنی‌های وی وسوسه است. شیطان در نماز ما را دچار وسوسه می‌کند تا نماز ما را بر هم بزند و خشوع آن را از بین ببرد. این وسوسه‌گر به سوی کسی می‌آید که به خدای روی آورده و به یاد او باشد. بر مؤمن است ثابت قدم و شکیبیا و ملازم ذکر خدا و نماز باشد و درمانده و عاجز نشود، زیرا این ملازمت، شیطان را از او مایوس و منصرف می‌کند چون خداوند خود می‌فرماید:

(النساء: ۷۶)

﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾

«مکر و حيله شیطان ضعیف است»

هرگاه بنده خدا بخواهد با تمام وجود به خدا روی آورد شیطان با انواع وسوسه‌ها و از هر دری وارد می‌شود، چون ابلیس، همانند دزدِ دزدِ گردنه است، هرگاه بنده‌ای بخواهد به خدا روی آورد راه را بر او می‌بندد. و به همین خاطر است که به بعضی از سلف گفته شد: می‌گویند ما دچار وسوسه نمی‌شویم، گفته‌اند: راست می‌گویند شیطان کاری به خانه ویران ندارد و خانه‌های آباد را خراب می‌کند^۲.

در این مورد مثال زیبایی ذکر کرده‌اند و می‌گویند که سه خانه وجود دارد. اولی خانه پادشاهی که پر از جواهر، زینت‌آلات و طلا و نقره است، و دومی خانه برده‌ای که وسای و جواهرات برده در آن هست، و سومی خانه‌ای خالی است که هیچ چیزی در آن نیست اگر دزد بیاید از کدام خانه می‌دزد؟

۱- رواه الامام مسلم فی صحیحہ.

۲- مجموع الفتاوی (۶۰۸/۲۲).

هنگامی که بنده به سوی اقامه نماز می‌رود شیطان خشمگین می‌شود و بر او غیرت و حسادت می‌ورزد، زیرا در بزرگترین و نزدیکترین مکان به خدا و سخت‌ترین جبهه در مقابل شیطان ایستاده است، به همین دلیل، ابلیس تلاش و کوشش دارد تا او را منصرف نماید و به او وعده می‌دهد، و به این طریق او را به فراموشی دچار می‌کند و با نیروهای سواره و پیاده‌اش علیه او مسلح می‌شود تا نمازش را خراب و تباه کند و او را به ترک نماز بخواند. اگر از این طریق، مأیوس شد و بنده از او سرپیچی کرد و در آن مقام بزرگ ایستاد، ابلیس باز هم مأیوس نمی‌شود و تلاش می‌کند تا وسوسه‌ای به دل او بیندازد و میان او و قلبش مانع و حائل ایجاد کند. به همین دلیل در نماز چیزهایی را به یاد او می‌آورد که قبلاً هم در فکر آنها نبوده است؛ یا حتی بعضی اوقات نمازگزار چیزی را فراموش کرده و شیطان در نماز به یادش می‌آورد تا دل او را مشغول و از خداوند غافل کند و بدون خشوع و حضور قلب نماز را به اتمام برساند. شیطان این‌گونه، بهره‌ای از نماز او گرفته است، چون نمازی می‌تواند کارساز و آمرزنده گناهان باشد که با خشوع و فروتنی کامل ادا شود.^۱

رسول‌الله ﷺ ما را برای مقابله با شیطان و از بین بردن وسوسه‌هایش راهنمایی می‌کند، ابی‌العاصؓ گفت: یا رسول‌الله، شیطان بین من و نمازم مانع می‌شود و وسوسه‌ام می‌کند و قرائتم را به هم می‌زند، چه کار کنم؟ رسول‌خدا فرمودند: «ذاک شیطان یقال له خنزب، فإذا أحسسته فتعوذ بالله منه واتفل علی یسارک ثلاثاً» «این شیطان فتنه‌گر است و هرگاه چنین احساس کردی از شر او به خدا پناه ببر و سه بار به طرف چپ تف بینداز». ابی‌العاص گفت: این کار را کردم، شیطان از من دور شد.^۲

۱- الوابل الصیب.

۲- رواه مسلم.

رسول الله ﷺ ما را از وسوسه‌های شیطان و راه علاج آن آگاه می‌کند: «إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا قَامَ يَصَلِي جَاءَ الشَّيْطَانَ فَلَبَسَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى، فَإِذَا وَجَدَ ذَلِكَ أَحَدَكُمْ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ»^۱. «اگر یکی از شما برای نماز برخاست و شیطان او را وسوسه کرد و ندانست که چند رکعت نماز خوانده است، در آخر، دو بار سجده کند». و باز رسول الله ﷺ از فریب‌های شیطان ما را خبر می‌دهد: «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَوَجَدَ حَرَكَةَ فِي دُبُرِهِ أَحَدَثَ أَوْ لَمْ يَحْدَثْ، فَأَشْكَلْ عَلَيْهِ، فَلَا يَنْصَرِفْ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا أَوْ يَجِدَ رِيحًا»^۲. «هرگاه یکی از شما در نماز احساس کرد که بادی از او خارج شده و دچار شک و تردید گردید، نمازش را قطع نکند مگر «صدایی» بشنود یا «بویی» به مشامش برسد». همان‌طور که در حدیث مذکور آمده است، مکر و نیرنگ شیطان بسیار عجیب است. از ابن عباس روایت است که پیامبر ﷺ [از اصحاب] در مورد مردی که گمان دارد در نماز بی‌وضو شده است و حال آن که این طور نیست پرسید، و خود فرمودند: شیطان به سوی یکی از شما می‌آید و او را وسوسه می‌کند و وی گمان دارد بی‌وضو شده است، حال آن‌که چنین نیست. اگر چنین حالتی برای شما پیش آمد هرگز از ادامه نماز منصرف نشوید مگر به گوش خودتان «صدایی» بشنوید و یا به بینی خود «بویی» احساس کنید^۳.

سؤال: در این جا بعضی از خدعه‌های شیطانی وجود دارد، شیطان به سوی بعضی از نمازگزاران می‌رود و آنها را از روح نماز دور می‌کند؛ در نماز بعضی از مسائل دعوت علمی را به یاد آنها می‌آورد تا ذهن آنها را به آن مشغول و از نماز غافل کند، و بسیاری

۱- رواه البخاری، کتاب السهو.

۲- رواه مسلم.

۳- رواه الطبرانی.

از مقاصد و خشوع و خضوع نماز را از آن‌ها می‌گیرد و این افراد به این عمل سیدنا، عمر رضی الله عنه، استدلال می‌کنند که در نماز لشکر را آماده جهاد می‌کرد؛ شیخ الاسلام، ابن تیمیه، به این شبهه جواب می‌دهد و می‌فرماید: آنچه از سیدنا عمر رضی الله عنه روایت شده که فرموده است: «وإني لأجهز جيشي وأنا في الصلاة» به این خاطر بود که عمر رضی الله عنه، امیر مؤمنان و مأمور به جهاد و فرمانده جهاد بود و همانند کسی بود که در مقابل با دشمن نماز خوف می‌خواند - چه در حال قتال و جنگ باشد و یا نباشد - ایشان مأمور به نماز و جهاد بودند پس بر او واجب است که هر دو امر واجب و فرض را به جا بیاورد چنان که خدا فرموده‌اند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
(الأنفال: ۴۵).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با گروهی برخورد کردید ثابت قدم باشید و بسیار یاد خدا کنید، باشد که رستگار شوید».

معلوم می‌شود که طمأنینه و آرامش قلبی در نماز با آرامش در حال جهاد برابر نیست و اگر فرض کنیم به خاطر جهاد مقداری از خشوع نماز کم می‌شود دلیل بر نقص ایمان و نماز نیست زیرا چنین شخصی، در هر حال مثل عمر رضی الله عنه در عبادت است و به همین خاطر است که نماز خوف نسبت به نماز در حال آرامش تخفیف پیدا کرده است و خداوند در وصف نماز خوف فرموده‌است:

﴿فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا﴾
(النساء: ۱۰۳).

«هنگامی که آرامش یافتید و به حالت عادی برگشتید نماز را تمام و کمال برپای دارید همانا نماز بر مؤمنان واجب و دارای اوقات معین است».

متوجه می‌شویم اقامه نماز آن‌چنان که در حالت امنیت و آسایش به آن امر شده در حالت خوف بدان امر نشده است، یعنی خشوعی که در حالت آسایش و امنیت لازم دارد در شرایط جنگ و خوف ندارد و انسان هم بدان مکلف نیست. با این وجود مردم متفاوتند، کسی که ایمان قوی دارد در نماز دارای حضور قلب است و در آن تدبیر و تأمل می‌کند. سیدنا عمر رضی الله عنه کسی بود که خداوند حق را بر زبان و دل او جاری می‌کرد و به او الهام می‌شد. پس جای انکار نیست که شخصی مثل عمر رضی الله عنه در نماز هم تدبیر جیوش کند و هم در نماز حضور قلب داشته باشد هر چند که اگر تدبیر جیوش و یا چیز دیگر در نماز نباشد نماز با خشوع و قوت بیشتری اداء می‌شود، و جای شک و گمان نیست که نماز در حال آسایش و امنیت از نماز در حالت خوف کاملتر بوده است، و وقتی که خداوند از بعضی واجبات ظاهری در حالت خوف می‌گذرد حتماً از بعضی حالات باطنی هم می‌گذرد و حرجی در آن نیست.

و خلاصه، فکر کردن نمازگزار در نماز در مورد امری که بر او واجب و وقت هم تنگ است مانند فکر کردن در مورد چیزهای دیگر نیست، زیرا وقت برای سیدنا عمر رضی الله عنه تنگ بودند؛ و وقت دیگری هم برای فکر نداشت زیرا امام امت بود و حوادث و مشکلات وارد بر او بسیار زیاد بود و هر انسان نمازگزار به حسب مرتبت و مقام و منزلتش چنین حالتی بر او عارض می‌شود و در نماز چیزهایی به ذهنش می‌رسد که در غیر نماز به ذهنش نمی‌رسد و معلوم است که بعضی از آنها از شیطان است مانند مردی که مالش در جایی پنهان کرده بود و فراموش کرد که کجاست و پیدا کردنش هم بسیار مشکل بود، بعضی از سلف صالح به او گفتند: برخیز و نماز بخوان. بلند شد و نماز خواند؛ بلافاصله در نماز به یادش آمد که مالش را کجا پنهان کرده است. به او گفته شد: از کجا دانستی که در نماز به یادش می‌آید؟ گفت: می‌دانستم که شیطان در نماز او را رها نمی‌کند تا این که بهره‌ای از نماز او بگیرد و او را از نماز [با حضور قلب] باز بدارد

چون به اندازه مالش در نظر او مهمتر نبود.^۱ اما نمازگزار هوشیار و زیرک کسی است که کوشش کند امر مأمور را در کمال خشوع و فروتنی ادا کند - لا حول ولا قوة إلا بالله العلی العظیم.^۲

۱۵- نماز سلف صالح

تأمل در سیره سلف صالح به خشوع در نماز می‌افزاید خصوصاً وقتی که انسان از آنها پیروی کند و بداند که چگونه نماز را اقامه کرده‌اند. ابن‌رجب گفته است: کاش یکی از آنها را مشاهده می‌کردی در حالی که با کمال فروتنی در برابر خداوند می‌ایستاد و شروع به مناجات می‌کرد از دنیا فارغ بود و همانند چوبی خشک می‌ایستاد. مجاهد گفته است: هنگامی که یکی از آنها به نماز می‌ایستاد چنان از خداوند می‌ترسید که در نماز نه به چیزی نگاه می‌کرد، نه متوجه اطرافش می‌شد، و نه با چیزی بازی می‌کرد و نه امور دنیوی به ذهنش می‌آمد و نه در مورد آنها فکر می‌کرد، مگر اینکه فراموش می‌کرد.

عبد الله بن‌الزبیر در نماز همانند چوبی خشک می‌ایستاد و در حال سجده اگر هم منجنیق از کنار او می‌گذشت سرش را بلند نمی‌کرد^۳ که بدان توجه کند و مسلمة بن بشار در حالی که در مسجد نماز می‌خواند قسمتی از مسجد خراب شد، مردم بلند

-۱

نی قماش و نقده و میزان وزن	چیست دنیا؟ از خدا غافل بدن
«نعم مال صالح» خواندش رسول	مال را گر بهر دین باشی حمول
آب اندر زیر کشتی پستی است ...	آب در کشتی هلاک کشتی است

(مثنوی)

۲- مجموع فتاوی (۶۰۱/۲۲).

-۳

همچو قربان از جهان بیرون شدند	چون که با تکبیرها مقرون شدند
-------------------------------	------------------------------

(مثنوی)

شدند ولی او همچنان در نماز بود و [چنان از خود بی حد شده بود که این واقعه را] احساس نکرد!.

و می‌گویند: بعضی از آنها در حال نماز و سجده مانند تکه پارچه‌ای بودند که به زمین انداخته شده‌اند و بعضی از آنها در حالی که از نماز خارج می‌شدند رنگ چهره آنها تغییر کرده بود، و بعضی از آنها در حال نماز نمی‌دانستند که چه کسی در راست یا چپ ایشان ایستاده است، و بعضی از آنها در حال وضو گرفتن چهره‌هایشان زرد می‌شد و وقتی به او می‌گفتند: چرا در حال وضو گرفتن احوالت تغییر می‌کند؟ می‌گفت: می‌دانم که در مقابل چه ذات با عظمتی می‌ایستم!

و سیدنا علی بن ابی طالب علیه السلام در نماز بر خود می‌لرزید و متغیر می‌شد. به او گفته شد: تو را چه شده است که می‌لرزی؟ گفت: وقت ادای امانتی رسید که آسمانها، زمین و کوهها از حمل آن می‌ترسیدند و سرباز می‌زدند.^۲ سعید تنوخی در نماز، اشک می‌ریخت و از بس گریه می‌کرد گونه‌هایش خیس می‌شد. و بعضی دیگر از تابعین هم به این نحو در نماز متحول می‌شدند و می‌گفتند: آیا می‌دانید در برابر چه ذات باعظمتی

-۱

آن دعای بی خودان خود دیگر است	آن دعا زو نیست گفت داور است
و آن دعا حق می‌کند چون او قناست	آن دعا و آن اجابت از خداست
واسطه مخلوق نی اندر میان	بی‌خبر زان لایه کردن جسم و جان
بندگان حق رحیم و بردبار	خوی حق دارند در اصلاح کار

(مثنوی)

-۲

عشق مولی کی کم از لیلی بود	گوی گشتن بهر او اولی بود
گوی شو می‌گرد بر پهلوی صدق	غلط غلطان در خم چوگان عشق

(مثنوی)

می ایستیم و مناجات می کنیم؛ ای گرامیان، کدام یک از شما در نماز چنین حالتی دارد و این گونه متحول می شود و چنین هیبتی در دل دارد؟^۱

به عامر بن عبدالقیس گفتند: آیا در نماز چیزی تو را به خود مشغول می کند؟ گفت: مگر محبوبتر از نماز چیزی هست که مرا به خود مشغول کند؟! گفتند: ما در نماز به چیزهایی مشغول می شویم. گفت: به بهشت، حورالعین و امثال آن؟ گفتند: خیر، به خانواده و اموالمان مشغول می شویم. گفت: اگر تنم بر سر نیزه‌ها تکه پاره شود بهتر از آن است تا در نماز به فکر امور دنیایی باشم.

سعد بن معاذ رضی الله عنه گفت: سه خصلت دارم، اما کاش همیشه داشتم:

۱- در نماز به چیزی نمی اندیشم.

۲- اگر حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله بشنوم، در درستی آن شک و شبهه‌ای به خود راه نمی دهم.

۳- وقتی همراه جنازه‌ای هستم چیزی به جز آنچه که خود می خوانم و دعاهایی که دیگران به زبان می آورند، به ذهنم خطور نمی کند؛ یعنی کاملاً حضور قلب داشتند.^۲

و حاتم - رحمه الله - گفت: در اوقات نماز برمی خیزم و با خشیت به سوی نماز می شتابم و با نیتی پاک نماز می خوانم و «الله اکبر» را در کمال عظمت و بزرگی می گویم و با ترتیل تأمل و تفکر قرآن می خوانم و در کمال فروتنی به رکوع می روم و تشهد را با خضوع به اتمام می رسانم و با نیت خارج شدن از نماز سلام می دهم و با کمال اخلاص آن را تمام می کنم، و باز به خود برمی گردم و می ترسم که از من پذیرفته نشود و مقبول خداوند نباشد و تا زنده‌ام بر نماز محافظت می کنم و آن را پاس می دارم.^۳

۱- کتاب سلاح القیطان لطرده الشیطان، عبدالعزیز السلمان.

۲- الفتاوی لابن تیمیة (۶۰۵/۲۲).

۳- کتاب خشوع فی صلاة ۲۷-۲۸.

ابوبکر الصبغی - رحمه الله - گفت: دو امام، یعنی ابوحاتم رازی و محمد بن نصر المروزی را دیدم و از شنیدن صدای آنها لذت بردم و هیچ کسی را همانند آنها ندیدم و صدایی مثل صدای آنها را نشنیده‌ام. هیچ کسی را ندیدم که زیباتر از محمد بن نصر نماز بخواند؛ زنبور بر پیشانی وی می‌نشست و پیشانی او را زخمی می‌کرد اما کوچکترین حرکتی نمی‌کرد. محمد بن یعقوب اخرم گفت: هیچ نمازی از نماز محمد بن نصر زیباتر نبود،^۱ پشه‌ها بر گوش وی جمع می‌شدند ولی آنها را از خود دور نمی‌کرد و زیبایی نماز، خشوع و فروتنی او شگفت‌آور بود؛ چانه‌اش را بر سینه می‌نهاد و همانند چوبی خشک می‌ایستاد.^۲

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - وقتی به نماز می‌ایستاد بدنش چنان می‌لرزید که گاه به راست یا چپ متمایل می‌شد.

نمازگزارا، بیا و این نمازها را با نمازهای نمازگزاران امروزی مقایسه کن، فرسخها فاصله دارند. امروزه می‌بینیم، یکی در نماز به ساعتش می‌نگرد، دیگری قد و قامت خود را راست و ریس می‌کند، سومی به بینی‌اش دست می‌کشد، بعضی خرید و فروش می‌کنند، عده‌ای پول می‌شمارند، بعضی دیگر به زینت‌های سجاده و سقف مسجد نگاه می‌کنند، عده‌ای به اطراف خود می‌نگرند تا افراد کنار خود را بشناسند. این وضعیت

-۱

وین نیاز، ار چه که لاغر می‌کند	صدر را چون بدرِ انور می‌کند
چون ز مرده زنده بیرون می‌کشد	هر گه مرده گشت او دارد رشد ...
مرده شو تا مُخْرَجُ الْحَيِّ الصَّمَدِ	زنده‌ای زین مرده بیرون آورد

(مثنوی)

۲- کتاب تعظیم قدر الصلاة.

نماز امروز ماست؛ بیا و داوری کن؛ حال آن که اگر یکی از آنها در مقابل یکی از بزرگان و کار به دستان بایستد جرأت ندارد کوچکترین حرکتی بکند^۱.

۱۶- شناخت مزایای خشوع در نماز

رسول الله ﷺ فرموده‌اند: «ما من امریء مسلم تحضره صلاة مكتوبة فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها، إلا كانت كفارة لما قبلها من الذنوب ما لم تؤت كبيرة، وذلك الدهر كله»^۲. «هرگاه، وقت نماز فرا رسید و مؤمن با شتاب و در کمال ادب وضو گرفت و خشوع و رکوع نماز را کامل به جای آورد - مادامی که مرتکب کبیره نشود - کفاره گناهانش می‌شود». یعنی وضو گرفتن و با خشوع و تدبیر نماز را به جا آوردن کفاره تمام گناهان گذشته اوست. پاداش هر نمازگزار به اندازه خشوع و فروتنی وی در نماز است؛ همچنان که امام احمد روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «پاداش نماز نمازگزار، یک دهم، یک نهم، یک هشتم، یک ششم، یک پنجم، یک چهارم، یک سوم و یا نصف آن است». یعنی میزان پاداش و ثواب نماز به خشوع و درست به جا آوردن آن مرتبط است. هر اندازه میزان خشوع، تدبیر و فروتنی بیشتر باشد اجر و ثواب آن نیز بیشتر است و بالعکس.

-۱-

موش که بود تا ز شیران ترسد او	گریه باشد شحنه هر موش‌خو
خوفشان کی ز آفتاب حق بود	خوف ایشان از کلاب حق بود
بلکه آن آهو تگان مشک ناف	موش کی ترسد ز شیران مصاف
توش خداوند و ولی نعمت نویس	رو به پیش کاسه لیس ای دیگ لیس

(مثنوی)

۲- رواه مسلم.

بهره و نصیب نمازگزار از نماز همان تعقل اوست. همان‌طور که ابن عباس -رضی الله عنهما- فرموده‌اند: «از نماز بهره‌ای نداری جز آن چه تعقل کرده‌ای»^۱. «اگر نماز با خشوع تمام ادا شود گناهان را از بین می‌برد. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «بنده‌ای که نماز می‌خواند گناهان او را بر سر و دوش وی می‌گذارند، با هر رکوع و سجده‌ای گناهانش می‌افتند و از بین می‌روند»^۲.

امام المناوی در تفسیر این حدیث فرموده‌اند: مراد این است که هرگاه رکنی از نماز را به جای آورد رکنی از گناهان وی زایل می‌شود و چون نماز را کامل ادا کند گناهانش از بین می‌روند و این مخصوص نمازی است که ارکان و شروط و خشوع و خضوع آن کاملاً به جای آورده بود همان‌طور که در حدیث به لفظ «عبد و قیام» اشاره شده است، یعنی بنده‌ای ذلیل در مقابل ملک‌الملوک با کمال تواضع و فروتنی می‌ایستد و ادای وظیفه می‌کند^۳.

نمازگزار فروتن وقتی که از نمازش فارغ شد در خود احساس سبکی و آرامش دارد و احساس می‌کند که باری سنگین از دوش خود برداشته و در کمال نشاط و آسایش و امنیت است و حتی آرزو می‌کند که کاش نمازش به پایان نمی‌رسید زیرا روشنایی چشمانش در نماز است و نماز نعمت روح او و بهشت قلب و مکان استراحت و آرامش وی است، و خارج از نماز احساس تنگی، سختی و در زندان بودن را می‌کند و به محض ورود به نماز و الله‌اکبر گفتن، دیگر از زندان دنیا نجات می‌یابد و وارد دنیای آسایش و امنیت می‌شود. دوستداران نماز می‌گویند: به وسیله نماز استراحت می‌کنیم، همان‌طور که امام و قدوة آنان، پیامبر ﷺ، به بلال رضی الله عنه فرمودند: «یا بلال، أرحنا بالصلاة»

۱- رواه الإمام احمد.

۲- رواه البيهقي في سنن الكبرى.

۳- فيض القدير (۲/۳۶۸).

و نگفت: **أرحنا منها**. «به ما استراحت و آرامش بده و نگفت ما را از نماز راحت کن» و فرموده‌اند: **«وجعلت قرّة عيني في الصلاة»**. «نور چشمان من در نماز است». کسی که نور چشمانش در نماز است چه گونه بدون نماز آرام می‌گیرد و چه گونه بی‌آن می‌تواند صبر کند^۱.

۱۷- دعا در نماز و خصوصاً در سجده

بدون شک مناجات با خداوند و از او خواستن، رابطه بنده را با خداوند قویتر می‌کند و به خشوعش می‌افزاید زیرا دعا عبادت و بنده مؤمن بدان امر شده است چنان که خداوند فرموده‌است:

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾
 (الأعراف: ۵۵).
 «خداوند را با تضرع و زاری بخوانید».

و کسی که از خداوند نخواهد، بر او خشمگین می‌شود، و پیامبر ﷺ در جاهای معین در نماز دعا خوانده است، مثلاً در سجود؛ میان دو سجده، بعد از تشهد، اما مهمترین جا که دعا کرده در سجده بوده است همان‌طور که در حدیث بدان اشاره شده که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: **«أقرب ما يكون العبد من ربه وهو ساجد فأكثروا الدعاء»**^۲. «نزدیکترین حالت بنده به خدا سجده است، در سجده بسیار دعا کنید». و باز امام مسلم روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: **«در سجده بسیار دعا کنید زیرا امید است که دعا مستجاب شود»**. و از جمله دعاهایی که رسول الله ﷺ در سجده خوانده‌اند عبارتند از:

«اللهم اغفر لي ذنبي دقه وجله، وأوله وآخره، وعلانيته وسره»^۳.

۱- الوابل الصيب ص ۳۷.

۲- رواه مسلم.

۳- رواه مسلم.

و فرموده‌اند: «اللهم اغفر لي ما أسررت وما أعلنت»^۱. چنین دعاهایی را در بین دو سجده می‌خواندند.

و بعد از تشهد دعاهایی می‌خواندند، چنان که فرموده‌اند: هر یک از شما بعد از تشهد از شر چهار چیز: عذاب جهنم، عذاب قبر، فتنه حیات و ممات و از شر دجال به خداوند پناه ببرید. و فرموده‌اند: «اللهم إني أعوذ بك من شر ما عملت ومن شر ما لم أعمل». «اللهم حاسبني حساباً يسيراً» و به ابوبکر صدیق رضي الله عنه تعلیم می‌دادند تا این دعا را بعد از تشهد بخواند: «اللهم إني ظلمت نفسي ظلماً كثيراً، ولا يغفر الذنوب إلا أنت، فاغفر لي مغفرة من عندك، وارحمني إنك أنت الغفور الرحيم» و پیامبر صلى الله عليه وسلم یک بار از مردی شنید که در دعایش می‌گفت: «اللهم إني أسألك يا الله الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد أن تغفر لي ذنوبي إنك أنت الغفور الرحيم» فرمودند: بخشیده شد. بخشیده شد. و از مرد دیگری شنید که می‌گفت: «اللهم إني أسألك بأن لك الحمد، لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك، المنان يا بديع السموات والأرض، يا ذا الجلال والإكرام، يا حي يا قيوم، إني أسألك الجنة وأعوذ بك من النار». پیامبر صلى الله عليه وسلم به یارانش گفت: آیا می‌دانید خدا را به چه اسمی خواند؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند. گفت: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، خدا را به اسم اعظمش خواند، اگر دعا کند مستجاب، و اگر بخواهد به او داده می‌شود. و آخرین دعایی که بین تشهد و سلام دادن می‌خواند این دعا بود: «اللهم اغفر لي ما قدمت وما أخرت وما أسررت وما أعلنت وما أسرفت، وما أنت أعلم به مني، أنت المقدم وأنت المؤخر، لا إله إلا أنت»^۲.

۱- أخرجه النسائي.

۲- كتاب صفة الصلاة للعلامة الالباني.

حفظِ چنین دعاهایی، مشکل بسیاری از نمازگزاران را برطرف می‌کند زیرا وقتی نمازگزاران پشت سر امام هستند و از تشهد فارغ می‌شوند، سکوت می‌کنند و نمی‌دانند که چه بگویند و چه اذکاری را بخوانند.

۱۸- اذکار بعد از نماز

چیزی که ما را کمک می‌کند تا خشوع قلب و نتیجه‌ای که از برکت نماز و فایده آن ثابت بماند، خواندن اذکار وارده بعد از نماز است.

بدون شک نگهداری طاعتِ اولی یعنی نماز، به دنبال آوردن طاعتِ دومی یعنی اذکار می‌باشد؛ و اگر نمازگزار در اذکار بعد از نماز تأمل کند می‌بیند اولین چیزی که بعد از نماز شروع می‌کند سه بار «استغفار» است؛ گویی نمازگزار از اشکالاتی که در حین ادای نماز ایجاد شده است استغفار می‌نماید، و تقصیرات خود را یادآوری، و برای آنها از خداوند طلب بخشش می‌کند و در انجام نمازهای سنت دقت بیشتر دارد تا نواقص نمازهای فرض را جبران کند یعنی اگر ادای نماز فرض بدون خشوع بوده و یا خللی بر آن وارده شده است نمازهای سنت آن را جبران کند.

بعد از فارغ شدن از اسباب خشوع به مرحله بعدی می‌رسیم و آن عبارت است از:

ب - دفع موانعی که خشوع نماز را کم می کند.

۱۹- از بین بردن چیزهایی که نماز گزار را به خود مشغول می کند

انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها با پارچه‌ای ملون قسمتی از خانه را پوشانده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت: این پارچه را بردار زیرا تصاویرش مرا در نماز مشغول می کند، یعنی خشوع نماز را از بین می برد.

و در روایت دیگر، قاسم از عایشه رضی الله عنها روایت می کند: حضرت عایشه رضی الله عنها پارچه‌ای را که بر آن تصاویری بود بر طاقچه خانه آویزان کرده بود و رسول الله صلی الله علیه و آله روبروی آن نماز می خواند و فرمودند: آن را از این جا بردار زیرا تصاویرش مانع نماز می شود یعنی مرا مشغول می کند، عایشه رضی الله عنها می گوید: آن را برداشتم و بالش کردم. وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله وارد کعبه شد تا نماز بخواند دو شاخ کبش در آن جا دید، بعد از فراغت از نماز به عثمان حجبی گفت: فراموش کردم بگویم این دو شاخ را بیوشانید زیرا درست نیست در خانه چیزی باشد و نماز گزار را به خود مشغول کند. ابوداود روایت کرده است: نماز گزار باید از اماکنی که در آن جا رفت و آمد هست و جاهای پر سر و صدا، یا کنار کسانی که صحبت می کنند، یا مجلسی که بسیار شلوغ است و هر آنچه که انسان را به خود مشغول می کند پرهیز کند و در چنین مکانهایی نباید نماز بخواند، همچنین در جاهای بسیار گرم و بسیار سرد از ادای نماز خودداری کند، و اگر برایش مقدور است نماز ظهر را در شدت گرمای تابستان به تأخیر بیندازد تا هوا کمی خنک شود و شدت گرما کاهش یابد. ابن القیم جوزی در کتاب الوابل الصیب می گوید: ادای نماز در شدت گرما نماز گزار را از خشوع و خضوع بازمی دارد زیرا عبادت را با سختی و اکراه انجام می دهد. و از حکمت‌های رسول الله صلی الله علیه و آله است که نماز را به تأخیر بیندازد تا شدت گرما کاهش یابد و نماز گزار با قلبی حاضر نماز بخواند تا مقصود نماز، که همان خشوع و روی آوردن به خداست، حاصل شود.

۲۰- لباس نمازگزار نباید دارای نقوش، رنگارنگ و یا نوشته‌ها و تصاویری باشد که او را از نماز غافل کند

عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که رسول‌الله صلی الله علیه و آله بلند شد و در حالی که عبایی خط‌دار و حاشیه‌دار بر تن داشت نماز خواند. وقتی از نماز فارغ شد فرمود: «این عبا را به ابوجهم بن حذیفه بدهید و عبای خودم را که بدون حاشیه و خط است بیاورید زیرا هم اکنون مرا از نماز غافل کرد و بدان سرگرم شدم». و در روایت دیگری وارد شده است که فرمودند: «حاشیه‌های آن مرا مشغول کرد»، و در روایت دیگری آمده است که آن عبا دارای حاشیه و خط‌های مربعی بود و او را به خود مشغول می‌کرد. تمام این روایات در کتاب صحیح امام مسلم - رحمه الله - وارد شده است و می‌توانید به آن مراجعه کنید. بهتر آن است که نمازگزار هیچ‌گاه در لباسهایی که بر روی آن تصویر هست، خصوصاً تصاویر ذی روح - که در این زمان بسیار شایع است - نماز نخواند.

۲۱- وقتی که غذا حاضر است نماز نخواند

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا صلاة بحضرة طعام»^۱. «در وقت حاضرشدن طعام نماز جایز نیست».

وقتی غذا حاضر شد و جلوی او گذاشتند شروع به خوردن کند چون اگر بلند شود و نماز بخواند در حال نماز به فکر غذا هست و نمازش بی‌خشوع خواهد بود پس عجله نکند تا [غذایش را بخورد و] نیازش را برطرف کند زیرا رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی غذا آماده شد و وقتی نماز هم فرا رسید غذا را بخورید قبل از آن که مغرب را بخوانید و در خوردن غذا هم عجله نکنید». و در روایت دیگری آمده است: «إِذَا وَضِعَ عِشَاءُ أَحَدِكُمْ وَأَقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَاْبْدءُوا بِالْعِشَاءِ وَلَا يَعْجَلَنَّ حَتَّى يَفْرغَ مِنْهُ»^۲. «وقتی غذا

۱- رواه مسلم.

۲- متفق علیه.

حاضر شد و وقت نماز هم فرا رسید غذا را بخورید و عجله نکنید تا از خوردن فارغ شوید».

۲۲- در حالتی که بول و غائط به او فشار می آورد نماز نخواند

بدون شک در حالی که بول و غائط به نمازگزار فشار می آورد نماز با خشوع ممکن نیست، و به همین دلیل است که رسول الله ﷺ از نماز خواندن در چنین حالتی نهی کرده است.

در چنین حالاتی ضروری است اول قضاء حاجت کند گرچه نماز جماعت یا چند رکعت فوت شود زیرا پیامبر ﷺ فرمودند: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَذْهَبَ الْخَلَاءَ وَقَامَتِ الصَّلَاةُ فَلْيَبْدَأْ بِالْخَلَاءِ»^۱. اگر کسی قضای حاجت داشت و نماز اقامه شد، اول قضای حاجت کند، بعد نماز بخواند؛ و اگر در وسط نماز به چنین حالتی دچار شد باید نماز را قطع و قضای حاجت کند و وضو بگیرد و نماز بخواند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ طَعَامٍ وَلَا هُوَ يَدْفَعُهُ الْأَخْبَثَانِ»^۲.

چنین حالاتی، خشوع نماز را از بین می‌برد و اثر روحی و معنوی نماز از دست می‌رود و حبس باد شکم هم همین حکم را دارد.

۲۳- در حالات چُرت نماز نخواند

انس بن مالک گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَنْمِ حَتَّى يَعْلَمَ مَا يَقُولُ»^۳. «اگر در نماز چرت زدید اول بنخوابید بعد نماز بخوانید تا بدانید چه می‌گویید». و دلیل این، در حدیث دیگری که عایشه - رضی الله عنها - روایت کرده آمده

۱- رواه أبوداود.

۲- رواه مسلم.

۳- رواه البخاری.

است: «اگر در نماز چرت زدید اول بخوابید تا خواب از شما دفع شود زیرا اگر یکی از شما در چنین احوالی نماز بخواند نمی‌داند که چه می‌گوید، شاید استغفار کند و یا به خودش ناسزا بگوید».

و گاهی این چنین حالتی در قیام اللیل بر انسان عارض می‌شود و شاید آن لحظه همان لحظه استجاب دعا باشد، بر خود دعا می‌کند و نمی‌داند چه می‌گوید و در نمازهای فرض هم چنین حالاتی بر انسان غالب می‌شود، پس باید اول بخوابد تا خواب از او دفع شود بعد نمازش را ادا کند بشرطی که وقت نماز نگردد و یا ترک جماعت نشود.

۲۴- نباید روبروی متحدث و خوابیده نماز خواند

پیامبر فرموده‌اند: «لا تصلوا خلف النائم ولا المتحدث»^۱. «روبروی خوابیده و کسی که حرف می‌زند نماز نخوانید» زیرا شخصی که حرف می‌زند با سخنانش انسان را به خود مشغول و فرد خوابیده هم با حرکتی نمازگزار را به خود مشغول می‌کند.

خطابی - رحمه الله - می‌گوید: نماز خواندن روبروی کسانی که حرف می‌زنند از نظر امام شافعی و احمد بن حنبل کراهت دارد و این بدان خاطر است که کلام آنها نمازگزار را از نماز باز می‌دارد.

اما دلایلی که برای «خوابیده» ذکر کرده‌اند اهل علم آنها را ضعیف می‌دانند از جمله ابوداود در کتاب الصلاة و ابن حجر در فتح الباری در «شرح باب الصلاة خلف النائم» بدان اشاره کرده‌اند.

و امام بخاری در «صحیح» خود در «باب الصلاة خلف النائم» حدیثی را ذکر کرده است. عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند در حالیکه من روبروی ایشان خوابیده بودم.

۱- رواه ابوداود.

«و مجاهد، طاوس و مالک مکروه می‌دانند که روبروی شخص نائم نماز خوانده شود چون شاید حرکتی کند که نمازگزار را از توجه به نماز بازدارد». و اگر از این حالت در امان باشد نماز بدون اشکال است - والله اعلم.

۲۵- مشغول نشدن به صاف کردن زمین

امام بخاری از معقیب روایت می‌کند پیامبر ﷺ مردی را دید که در وقت سجده مکان سجده‌اش را صاف می‌کرد به او گفت: «اگر این کار را می‌کنی یکبار بس است» و باز فرموده‌اند: «لا تمسح وأنت تصلی، فإن كنت لابد فاعلاً فواحدة»^۱. «مکان سجده را در حال نماز صاف نکن و اگر به ناچار این کار را انجام می‌دهی یکبار بس است».

دلیل این نهی محافظت بر خشوع است تا در نماز حرکات زیاد انجام ندهد. و اگر مکان سجده نیاز به صاف کردن دارد بهتر آن است قبل از نماز این کار را انجام دهد.

و مسح پیشانی و بینی در نماز کراهت دارد، زیرا پیامبر ﷺ بر روی گل سجده کرد و آن در پیشانی وی باقی ماند و آن را پاک نکرد و حتی اثر آن بعد از نماز هم پیدا بوده است، زیرا استغراق در نماز و خشوع باعث می‌شود نمازگزار این چیزها را فراموش کند و به آنها مشغول نشود و پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «إن فی الصلاة شغلاً»^۲. «نماز انسان را از چیزهای دیگر دور می‌کند». و ابن اُبی شیبه از ابو درداء روایت می‌کند گفت: اگر بهترین شتر را به من بدهند تا مکان سجده‌ام را صاف کنم، این کار را نخواهم کرد [یعنی اگر بهترین مال و ثروت را به من بدهند حرکات اضافی در نماز انجام نمی‌دهم].

و عیاض فرموده‌اند: سلف صالح مسح پیشانی را در نماز مکروه می‌دانستند. بر نمازگزار است از هر آنچه وی را از نماز دور می‌کند پرهیز داشته باشد و همچنان که ذکر شد لازم است برای دیگر نمازگزاران هم ایجاد مزاحمت نکند.

۱- رواه ابوداود.

۲- رواه البخاری.

سلطان نیست و نمی‌فهمد که پادشاه چه می‌گوید چون به وی توجه ندارد، پادشاه به چنین مردی چه بگوید؟

آیا، حداقل، با خشم و نفرت بیرون رانده نمی‌شود و از نظر پادشاه نمی‌افتد؟ چنین کسی با حضور قلب در برابر پروردگار ایستاده است و عظمت ایستادن در برابر پروردگار را درک می‌کند و قلبش از خوف پُر و با ذلت و تواضع ایستاده و از خداوند شرم دارد اگر به غیر او روی آورد و از وی روی بگرداند؛ این دو با هم برابر نیستند، میان این دو نماز فاصله بسیار است همچنان که حسان بن عطیه گفت: دو مرد با هم نماز می‌خوانند و فضیلت فاصله آن دو فاصله میان آسمان و زمین است. زیرا یکی از آن دو با حضور قلب به خدا روی آورده و دیگری در غفلت ایستاده است.

اما توجه به اطراف به دلیل نیاز اشکال ندارد، چنان که ابوداود از سهل بن حنظلیه روایت کرد: «نماز صبح اقامه شد و پیامبر ﷺ نماز می‌خواند در حالی که به دره‌ها نگاه می‌کرد». و ابوداود گفت: «بعضی شب‌ها سواری به دره‌ها می‌فرستاد تا نگهبانی دهد». گاهی در نماز کارهایی انجام می‌داد مانند بغل کردن امامه دختر ابوالعاص، باز کردن در برای عایشه رضی الله عنها، پایین آمدن از منبر برای تعلیم نماز، و تأخیر در نماز کسوف، و خفه کردن شیطان که خواست نمازش را باطل کند، امر به کشتن مار و عقرب در نماز، یا منع کسی که از جلوی نمازگزار می‌گذرد، امر به تصفیق برای زنان، اشاره‌اش در نماز، و امثال اینها بسیار زیاد است که به ضرورت انجام داده می‌شوند، و اگر برای ضرورت و رفع حاجت نباشند بیهوده است - با خشوع منافات دارد - و ممنوع است!

۲۸- به آسمان ننگرد

در حدیث، نگاه به آسمان نهی شده و نمازگزار باید از آن پرهیز کند تا دچار این وعید رسول الله ﷺ نشود که فرمودند: «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلَا يَرْفَعْ بَصَرَهُ إِلَى

السَّمَاءِ أَنْ يُلْتَمَعَ بَصْرُهُ»^۱ «هرگاه یکی از شما در نماز بود چشمان خود را به آسمان ندوزد چون ممکن است پرتویی از نور به بینایی وی برخورد کند و صدمه ببیند». و در روایات دیگری نیز همین مضمون هست: «نباید کسانی که در نمازند به آسمان بنگرند.» باز رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «لِيَتَّهِنَ عَنْ ذَلِكَ أَوْ لَتَخْطِفَنَ أَبْصَارَهُمْ»^۲. از این کار دست بر می دارند یا اینکه چشمهایشان برداشته می شود.

۲۹- در حال نماز به پیش روی خود آب دهان نیندازد

این کار با خشوع و ادب در حضور خدا بودن سازگار نیست و پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ يَصَلِي فَلَا يَبْصُقْ قَبْلَ وَجْهِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ قَبْلَ وَجْهِهِ إِذَا صَلَّى»^۳. «هرگاه یکی از شما نماز می خواند به پیش روی خود آب دهان نیندازد زیرا خداوند در هنگام نماز مقابل اوست». و باز هم امام بخاری روایت کرده‌اند: در حال نماز، به طرف جلو آب دهان نیندازید زیرا در نماز با خداوند مناجات می کنید و به طرف راست هم آب دهان نیندازید زیرا طرف راست فرشتگانند، به طرف چپ نیندازید و یا آن را زیر پایتان پنهان کنید.

اما وقتی که مسجد با سجاده یا همانند آن فرش شده باشد، چنان که رسم غالب امروز است، نباید چنین کاری انجام دهد، و اگر ممکن است یک دستمال بیرون آورد و آب دهانش را بر آن بریزد و بعد آن را پنهان کند.

۱- رواه احمد.

۲- رواه الإمام احمد والبخاری.

۳- رواه البخاری.

۳۰- تا حد ممکن از خمیازه کشیدن خودداری کند

پیامبر فرمودند: «إِذَا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَكْظَمْ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ»^۱. «هرگاه یکی از شما در نماز خمیازه کشید تا می‌تواند دهانش را ببندد زیرا شیطان وارد می‌شود».

زیرا وقتی که شیطان داخل شد بهتر می‌تواند برای نمازگزار تشویش ایجاد کند و خشوع نماز را از بین ببرد، علاوه بر این در وقت خمیازه کشیدن به انسان می‌خندد.

۳۱- ترک «اختصار» در نماز

ابوهریره روایت می‌کند که: «نهی رسول الله عن الاختصار في الصلاة»^۲. «رسول خدا از «اختصار» در نماز نهی کرده است». و «اختصار» یعنی دستهایش را بر تهیگاه بگذارد. زیاد بن صبیح حنفی روایت می‌کند: در کنار ابن عمر نماز می‌خواندم و دستهایم را بر تهیگاه نهادم، ناگهان بر دستهایم زد، بعد از نماز گفت: این کار در نماز عیب و نقص است و پیامبر ﷺ از آن نهی کرده، و در حدیث مرفوع است که «اختصار» ذلت و خواری اهل جهنم است از شر آن باید به خدا پناه برد.

۳۲- ترک «سدل» در نماز

از رسول الله ﷺ روایت شده است: «نهی عن السدل في الصلاة، و أن يغطي الرجل فاه»^۳. «پیامبر از «سدل» در نماز و آن که انسان دهانش را بپوشاند نهی کرده است».

در کتاب «عون المعبود» روایت است که خطابی گفت: «سدل» یعنی لباس چنان دراز باشد که به زمین برسد و در «مرقاة المفاتیح» نقل است: که «سدل» مطلقاً منع شده زیرا تکبر و خودپسندی می‌آورد و در نماز زشتتر و ناپسندتر است. صاحب «النهاية» گوید:

۱- رواه مسلم.

۲- رواه ابوداود.

۳- رواه ابوداود.

یعنی لباس را به خود بپیچاند و از داخل آن دستهایش را بیرون بیاورد، و در آن حال رکوع برود و سجده کند؛ و گفته‌اند که یهود چنین می‌کردند. و گفته شده است: «سدل» آن است که لباس را بر دوش اندازد و اطرافش را بر جلو یا بر بازوها رها کند و در نماز بدانها مشغول شود، چنین وضعی خشوع نماز را از بین می‌برد، برعکس آنکه لباس را سخت ببندد و ترس افتادن لباس را نداشته باشد چنین کاری مکروه نیست چون نمازگزار را مشغول نمی‌کند و با خشوع هم منافات ندارد.

امروزه در میان بعضی از مردم لباسها و ردهایی هست که با هم فرق دارند و نمازگزار را به خود مشغول می‌کنند، مثلاً لباس را در نماز بالا می‌زنند و یا جمع می‌کنند و امثال اینها، که کراهت دارند و باید نمازگزار از چنین کارهایی پرهیز کند.

اما این که در حدیث به «پوشانیدن دهان» اشاره شده است علماً دلایلی برای آن ذکر کرده‌اند از جمله نمازگزار نمی‌تواند قرائت را به خوبی و سجده را کامل انجام دهد.

۳۳- پرهیز از تشبه به حیوانات

چون خداوند به انسان کرامت بخشیده و او را در بهترین شکل و سیما آفریده، بسیار زشت است که خود را به حیوانات شبیه کند.

ما نمازگزاران مؤظفیم در حال نماز، حرکات و هیئات مان همانند بهائم نباشد، زیرا با خشوع منافات دارد، و شایسته نیست نمازگزار چنین حرکاتی را انجام دهد، در این مورد آمده است که: «نهی رسول الله فی الصلاة عن ثلاث: عن نقر الغراب، وافتراش السبع، وأن یوطن الرجل المقام الواحد کإیطان البعیر»^۱. «رسول الله ﷺ در نماز از سه چیز نهی فرمودند: همانند کلاغ منقارزدن، همانند درندگان نشستن، و همانند شتر در یک جا ایستادن و نشستن». و گفته شده است: یعنی این که انسان به مکانی مخصوص و معین از مسجد انس بگیرد و همیشه در آنجا نماز بخواند، همانند شتری که در مکانی خاص

۱- رواه أحمد.

می خورد و می نشیند. و در روایت است که: «منع شده ام از: همانند خروس به زمین نوک زدن، مانند سگ نشستن، و مثل روباه به اطراف نگاه کردن»^۱. «یعنی در حال نماز لازم است از چنین حالاتی پرهیز کرد».

به دلیل اهمیت مسئله خشوع و ارزش والای آن در نزد علماء قضیه زیر را مورد بحث و مناقشه قرار داده اند:

مسئله: کسی که در نماز بسیار وسواس است نمازش درست است یا باید آن را اعاده کند؟

ابن قیم الجوزی - رحمه الله - گفت: «اگر گفته شود: نظر شما درباره کسی که در نماز خشوع ندارد چیست، آیا نمازش درست است یا خیر؟»

گفته شده است: از جهت اجر و ثواب، نمازش درست نیست مگر این که در آن تعقل کند و در برابر پروردگار خاشع و فروتن باشد.

ابن عباس گفت: در نمازت جز آنچه که در آن تعقل کرده ای بهره و نصیبی نداری و در «مسند» حدیث مرفوعی هست: «همانا بنده ای نماز می خواند و نماز به شمار نمی آید و اجر و پاداشی ندارد مگر نصف آن، ثلث آن، ربع آن یا حتی یک دهم آن».

[یعنی اجر و ثواب نماز به خشوع و فروتنی بستگی دارد و هر اندازه خشوع کمتر باشد اجر و ثواب هم کمتر است].

خداوند شرط رستگاری نمازگزاران را در نماز، خشوع و خضوع قرار داده است. کسی که خشوع ندارد اهل فلاح نیست و اگر هم اجر و ثوابی به دست آورد حتماً از ناحیه رستگاران است، و وقتی از جمله رستگاران است که خشوع داشته باشد. اما آیا در احکام دنیوی، نماز به شمار می آید و قضاء ندارد؟

۱- امام احمد روایت کرده است، تمامی آن چه ذکر شد مجموعه ای از اسباب خشوع، اسباب از میان برنده خشوع و اسبابی که موجب جبران عدم خشوع بودند، بود.

جواب: اگر در نماز خشوع، غلبه داشته و تعقل کرده است اجماعاً نماز به شمار می‌آید و نمازهای سنت و اذکار بعد از آن، نواقص را جبران و نماز را کامل می‌کنند. اما اگر عدم خشوع غلبه داشته و بدون تأمل و تعقل نماز را خوانده باشد، فقهاء در مورد اعاده آن مختلف‌القولند. ابن حامد، از شاگردان امام احمد، گفته است: واجب است که نماز را اعاده کند و این هم مانند اختلافشان در مورد خشوع در نماز است و فقهاء دو قول دارند و در مذهب امام احمد هم چنین است. دو قولی که ذکر شد: کسی که وسواس است و در نماز وسوسه بر او غلبه دارد و بیشتر نماز را با وسوسه خوانده است، ابن حامد گفته است: واجب است دوباره نماز را اعاده کند.

اما اکثر فقهاء اعاده نماز را واجب ندانسته و به این گفتار پیامبر ﷺ استدلال کرده‌اند که فرمودند: کسی که در نماز سهو می‌کند دو بار سجده کند، و فرمودند اعاده کند، و باز فرموده‌اند: «شیطان، در نماز به نزد شما می‌آید و می‌گوید فلان چیز را به یاد بیاور و فلان چیز و فلان چیز، تا آنجا که نمازگزار را غافل می‌کند و نمی‌داند که چند رکعت نماز خوانده است». بی‌تردید اجر و ثواب زیادی ندارد جز به اندازه حضور قلب و خشوع که دارد، ابن عباس گفته است: در نماز بهره‌ای نداری جز آن‌چه که در آن تعقل کرده‌ای. و چنین نمازی به اعتبار کمال مقصود آن صحیح نیست هر چند که گفته‌اند صحیح و درست است امر به اعاده آن نشده است^۱.

و حدیث صحیح از رسول‌الله ﷺ روایت شده است که فرمودند: «هرگاه مؤذن اذان گوید شیطان پشت می‌کند و تیز می‌زند تا اذان را نشنود، و چون اذان تمام شد برمی‌گردد، آن‌گاه که اقامه گفته شود فرار می‌کند و وقتی تمام شد دوباره برمی‌گردد تا نمازگزار را غافل کند و از نماز وی بهره‌ای بگیرد و می‌گوید: فلان چیز را به یاد بیاور و فلان چیز و فلان ... در حالی که خالی‌الذهن است چیزهایی را به یاد وی می‌آورد، تا

۱- مدارج‌السالکین ص ۱۱۲/۱.

آنجا که نمازگزار نمی‌داند چند رکعت نماز خوانده است، اگر یکی از شما به چنین حالتی دچار شد در آخر نماز دو بار سجده سهو به جا آورد.

جمهور فقهاء گفته‌اند: در حدیث مذکور، شیطان نمازگزار را کاملاً غافل کرده به نحوی که حتی نمی‌داند که چند رکعت نماز خوانده است، پیامبر ﷺ دستور به سجده سهو می‌دهد و امر به اعاده نماز نمی‌کند، چون اگر نماز باطل بود امر به اعاده آن می‌کرد.

و گفته‌اند: این حکمت سجده سهو است، برخلاف شیطان که انسان را وسوسه می‌کند و مانع حضور قلب و خشوع در نماز می‌شود، و به همین دلیل است که پیامبر ﷺ این سجده را «المرغمتین» یعنی دو سجده‌ای که شیطان را خوار و زبون می‌کند نامیده است.

پس اگر کسی می‌گوید: اعاده واجب است تا فواید خشوع حاصل شود، می‌تواند اعاده کند و اگر این فواید و ثمرات را نمی‌خواهد اعاده هم نمی‌خواهد و نمازش درست است، و اگر مراد از وجوب را این‌گونه فهمیده‌اند که حتماً واجب است اعاده شود و گر نه احکام تارک الصلاة بر آن جاری است، و اگر اعاده نکند عقوبت دارد، ما چنین نگفته‌ایم [یعنی در هر صورت باید کلمه واجب را درک کرد که مقصود حصول خشوع است نه ابطال نماز] و قول دوم ارجح است. والله أعلم^۱.

خشوع مسئله‌ای بس بزرگ و با ارزش است و کسی می‌تواند آن را به دست آورد که خداوند به او توفیق داده باشد و محروم شدن از خشوع مصیبتی بس بزرگ و امری ناگوار است و به همین دلیل است که رسول الله ﷺ در دعایش می‌گوید: «اللهم إني أعوذ

بک من قلب لا يخشع...»^۲. «پروردگارا، از قلب بی‌خشوع به تو پناه می‌برم».

۱- مدارج السالکین ۵۲۸/۱.

۲- رواه الترمذی.

اهلِ خشوع درجات متفاوت دارند، و خشوع از عمل قلب «نیت درونی فرد» زیاد و کم می‌شود؛ مؤمنانی هستند که خشوع و فروتنی آنها تا آسمان می‌رسد و بعضی دیگر هم هستند که از نماز فارغ می‌شوند و هیچ تعقل و تأملی نکرده‌اند، بنابراین مردم نمازخوان به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

۱- کسی که به خود ظلم می‌کند کسی است که وضو، وقت نماز و حدود و ارکان آن را به خوبی به جا نمی‌آورد.

۲- کسی که بر اوقات و حدود و ارکان ظاهری نماز محافظت می‌کند اما تلاش‌های خود را با وسوسه تباه می‌کند و انواع وسوسه‌ها و افکار را به ذهن راه می‌دهد.

۳- کسی که بر حدود و ارکان نماز محافظت می‌کند و با نفس خود در دفع وسوسه‌ها و افکار تلاش، و با دشمن خود جهاد می‌نماید تا از نماز وی چیزی دزدیده نشود، چنین کسی هم در نماز و هم در جهاد است.

۴- کسی که نماز می‌خواند و کاملاً حقوق، ارکان و حدود آن را مراعات می‌کند و قلبش در حفظ حدود و ارکان آن مستغرق است تا نه تنها چیزی از نماز ضایع نشود، بلکه می‌کوشد آن‌چنان که شایسته است نمازش را به طور کامل اداء کند و کاملاً مشغول عبادت پروردگار باشد.

۵- کسی که نماز می‌خواند و شرایط مذکور را رعایت می‌کند و قلبش را به خداوند می‌سپارد و با قلبش به خدا می‌نگرد کاملاً مراقب و دلش لبریز از محبت و عظمت خداست، گویی خدا را می‌بیند و به وی می‌نگرد، در نتیجه تمامی وساوس و اوهام او نابود، و حجاب‌های میان او و پروردگارشان برداشته می‌شوند، و فاصلهٔ چنین نمازگزاری با نمازگزاران دیگر بیش از فاصلهٔ آسمانها و زمین است، زیرا وی کاملاً مشغول به نور چشمان خود است و

احساس شوق، رغبت، گرمی و رسیدن می‌کند و هر آن به پروردگارش نزدیکتر می‌شود.

از این پنج گروه، اولی معاقبه می‌شود، دومی محاسبه می‌شود، سومی کفاره گناهانش می‌شود، چهارمی ثواب می‌برد، پنجمی مقرب پروردگار است، زیرا نماز او سبب روشنایی چشمانش بود. پس کسی که در دنیا، نماز، موجب روشنایی دل و چشم وی باشد، در قیامت به سبب نزدیکی به پروردگارش چشمانش روشن می‌شوند. همان‌طور که در دنیا موجب روشنایی دیدگانش بود، و چشم کسی که به خدا خوشحال، شاد و روشن شود هر دیده‌ای با دیدن او خوشحال نشود، اندوه‌ها بر اوست و نفس خود را باید آماده سختیها و حسرات کند.^۱

در آخر از خداوند ﷻ خواهانم که ما را از خشوع‌کنندگان قرار دهد و توبه ما را قبول کند و به کسانی که در این رساله سهیم بوده‌اند جزای خیر دهد و به خواننده گرامی خیر رساند.

والحمد لله رب العالمین

مترجم:

عبدالله دارابی (غفر الله له) خدا ایشان را بیامزد

۸۲/۱۱/۱۵

از مدرسه علوم دینی امام شافعی

۱- کتاب الوابل الصیب ص ۴۱-۴۰.